

# IRAN CARTOON

► Cartoon & Caricature Magazine ◀ Jun. 2010 ◀ No. 43 ◀





Mikhail Zlatkovsky/ Russia

به نام خدا

# ایران کارتون

نشریه داخلی تخصصی کارتون و کاریکاتور  
خرداد ماه ۱۳۸۹ / شماره ۴۳

سر دبیر:  
مسعود شجاعی طباطبائی

دبیر اجرایی:  
عباس قاضی زاهدی

مدیر هنری و طراح گرافیک:  
کوروش ملک پور

مترجم:  
نیلوفر اربابی

همکاران این شماره:  
ملیحه بنفشه/  
مریم فخاری

چرا؟! / رالف استدمن ۴  
خیال پرداز! گفت و گوباعلی جهانشاهی  
عباس قاضی زاهدی ۱۲

سمیه / ترجمه مهتاب و کیل ۲۲  
دو بامانع / نگاهی به آثار تو کانستانی  
سید مسعود شجاعی طباطبائی ۲۶

گول ظاهر هیچ چیز را نخورید بجز این یک  
مورد! مترجم: فائز علی دوستی ۳۴

کاریکاتور در گویا ۳۸  
گفت و گوبامیخائیل زلاتکوفسکی ۴۲  
تفاوت بین کارتون در شرق و غرب  
دکتر جان لنت مترجم: محمدصادق نوحی ۴۴

### خانه کاریکاتور

سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران  
نشانی: تهران، خیابان شریعتی، تقاطع بزرگراه همت،  
خیابان گل نیل غربی، بعد از میدان کتابی، شماره ۴۴  
تلفن: ۲۲۸۶۸۶۰۰ نمابر: ۲۲۸۴۶۹۲۸



IRAN CARTOON/No.43/Jun. 2010

Editor in Chief:  
Massoud Shojaei Tabatabaei  
Executive Director: Abbas Ghazi Zahedi  
Graphic Design & Art Director:  
Kourosh Malekpour

نشانی اینترنتی:

www.irancartoon.com

www.irancartoon.ir

پست الکترونیکی:

info@irancartoon.com

شماره چهل و سه  
خرداد ۱۳۸۹



مادامی دکتوری شادی نون  
سازمان هنری



# چرا؟

رالف استدمن

«در حدود ۵۰ سال پیش بود که در آتش شور و شوق تغییر جهان می‌سوختم. در ضمن، می‌پنداشتم که مردم منطقی‌اند و با چنین تغییری خود نیز تغییر می‌کنند. تصور می‌کردم که انسان‌های خوبی نیز وجود دارند که من نیز یکی از آنهایم. می‌دانستم مردمان بدی هم هستند که با پی بردن به اشتباهاتشان متحول خواهند شد. گمان می‌کردم که صلح، هم‌زیستی، عشق و سعادت همه مردم را خواهیم دید و تساهلی دلنشین و ملایم و روحی بلندنظر را برای بالندگی همگان کافی می‌دانستم. در همین سال‌ها فکر می‌کردم که مردم جوانمردی را باور دارند و به اختلاف عقاید احترام می‌گذارند. اطمینان داشتم که دورانی بد ولی کوتاه را سپری می‌کنیم که پس از آن محنت انسان به مسئله‌ای مربوط به گذشته مبدل خواهد شد. یقین داشتم که می‌توانیم دنیای تازه‌ای را بر اساس آن چه که آموختیم بنیان نهیم و شک نداشتیم که زخم‌های کهنه با گذشت زمان بهبود می‌یابد، کینه و دشمنی‌های دیرینه از بین می‌رود و برای سازگار شدن با آگاهی‌های تازه‌ای که یافته‌ایم، سیاست‌های قدیمی مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند و اصلاح می‌شوند. این مقدمه کوتاه، ولی خوش‌بینانه را ۲۵ سال پیش نوشته بودم. در حالی که ۳۵ سال پیش از آن نیز این آرمان‌ها در دلم نهفته بود و در آن امیدوارانه برای انسان، آرزوی سعادت کرده بودم. من در کشورم شاهد نابودی ایدئولوژی‌های سیاسی بوده‌ام و یکپارچگی مذاهب را دیده‌ام، اما نشانه‌ای روشن از باروری متقابل اندیشه‌ها را مشاهده نکرده‌ام.

بیماران سنگین لندن را در جنگ جهانی دوم تجربه کردم. مادر و پدرم را در پناهگاه (اندرسن) به یاد می‌آورم که برای حفاظت از جانمان بر روی من و خواهرم خم شده بودند و من با صدای هر انفجار، از ترس، از جایم می‌پریدم. من نمی‌خواهم ببینم یا بشنوم که آمریکا از جنگ و انتقام سخن می‌گوید: دنیا در آتش می‌سوزد و از این بابت دردمند است. اکنون، «چرا؟» اصلی‌ترین پرسشی است که باید طرح شود و نه «چه کسی؟».

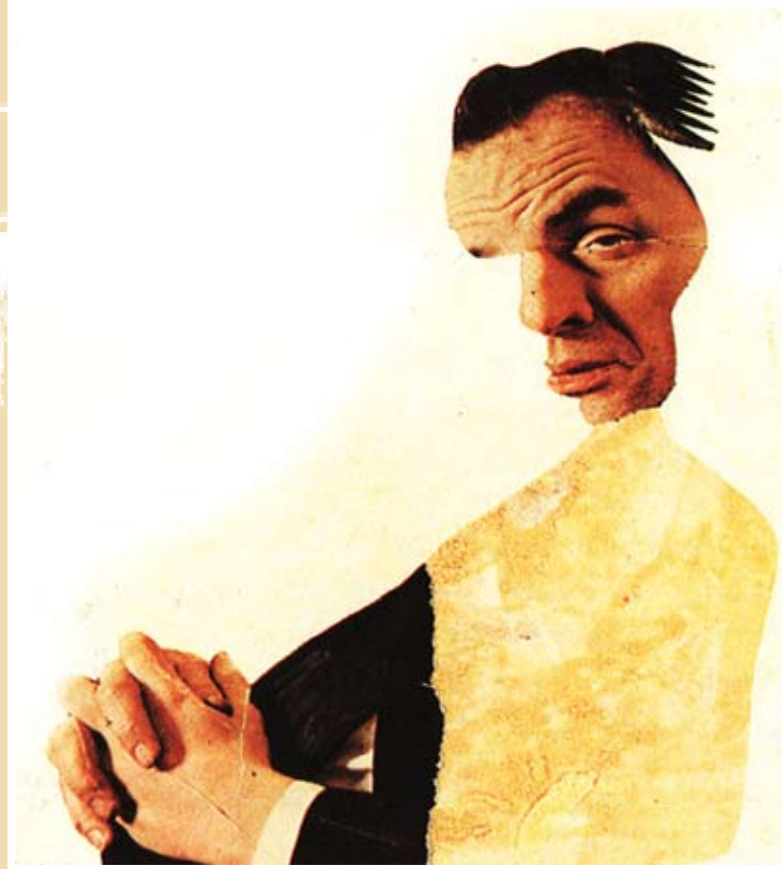
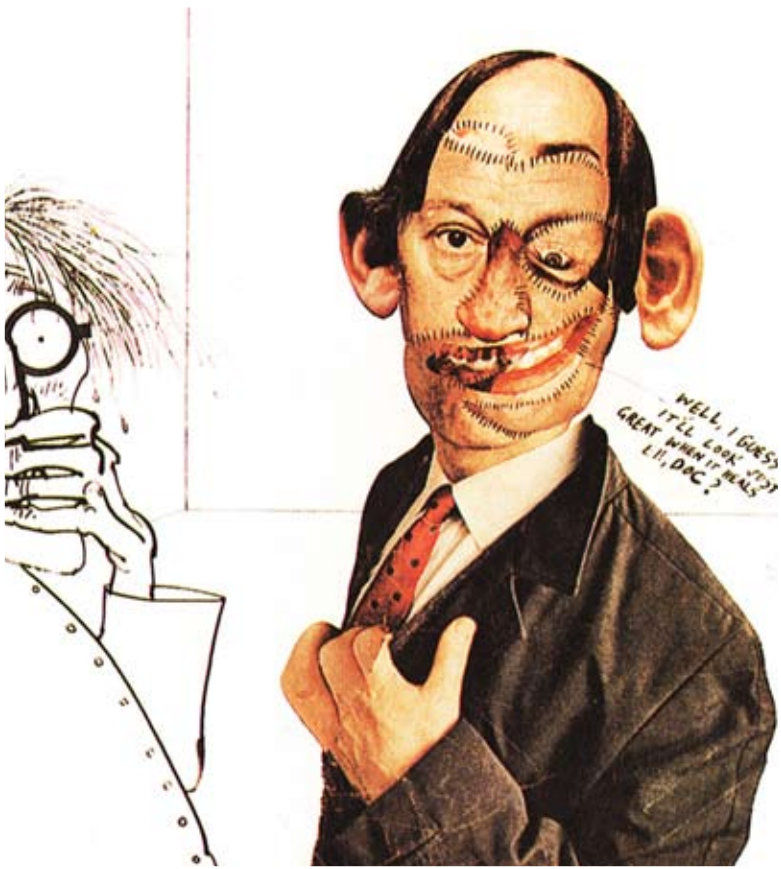
چنین می‌نماید که «عدالت» واژه‌ای است برای تنبیه مستضعفان که از سوی مستکبران به کار می‌رود. منطقی دهشتناک سبب رویدادهای اطرافمان شده است.

من سخنی درباره کاریکاتور ندارم. مگر بیان این امر مسلم که موجودیت این هنر شاهدهی است بر امیدی راسخ به شهامت و احساس انسانی و این که ارتکاب هر نوع ظلم و خشونت - خواه «افراطی» یا «رسمی» به اتحاد و یکپارچگی ما، که تنها ناظر کارها و اعمال احمقانه در بین خودمانیم، تداوم می‌بخشد. اعتقاد دارم که ما چیزی به مراتب مهم‌تر و باارزش‌تر را نیز می‌بینیم. این که چگونه از میان اعتقادات شخصی و بیم‌ها و امیدهایمان، خنده و عشق بیش‌ترین وجه اشتراک و شباهتمان شده است. لطفاً با محبت به هم‌نوعان ما بنگردید. «هستی و جهان تنها به عنوان پدیده‌ای زیبایی‌شناسانه است که مفهوم پیدا می‌کند». من چنین تصویری نداشتیم؛ این مکالمات از فریدریش نیچه است، تلخ‌ترین فیلسوف در تاریخ فرهیختگی، به خشم خود فرصت ندهیم تا زاینده‌ی عصر فاجعه‌بار دیگری باشد. بیابید از قرن بیستم پرتائیر درس بگیریم و اجازه دهیم تا قرن جدید به ما نشان دهد که تفاوت‌های فکری ما می‌تواند به منزله فضیلت‌هایمان به شمار آید.

رحمت خداوند شامل حال همه باد ●









La belle-mère.



*The Mother-in-Law*



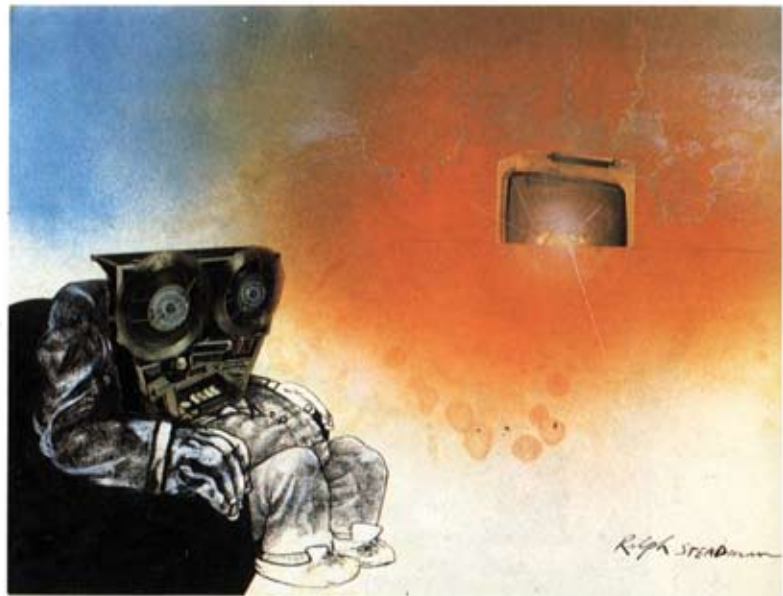
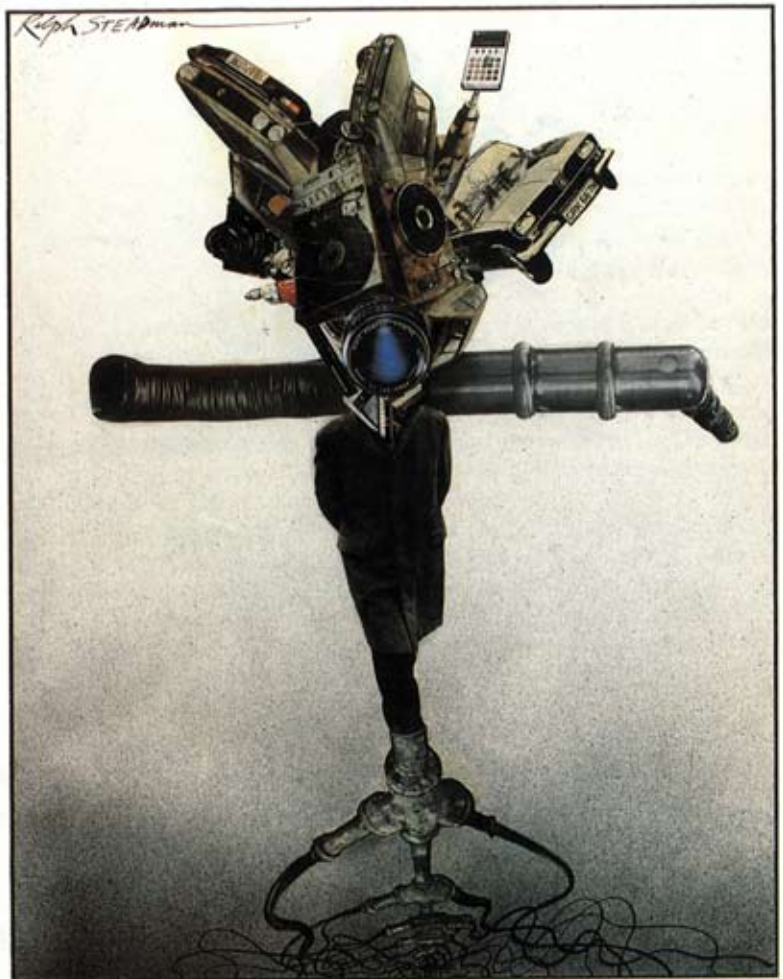
*Zorojast*  
*Reza*



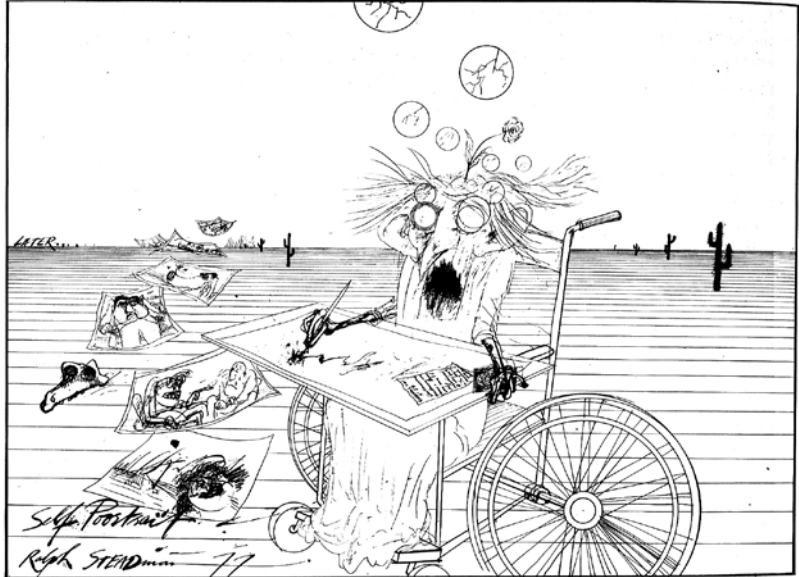
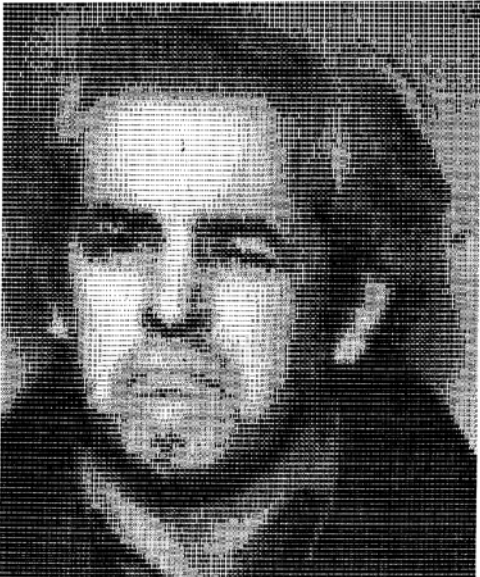
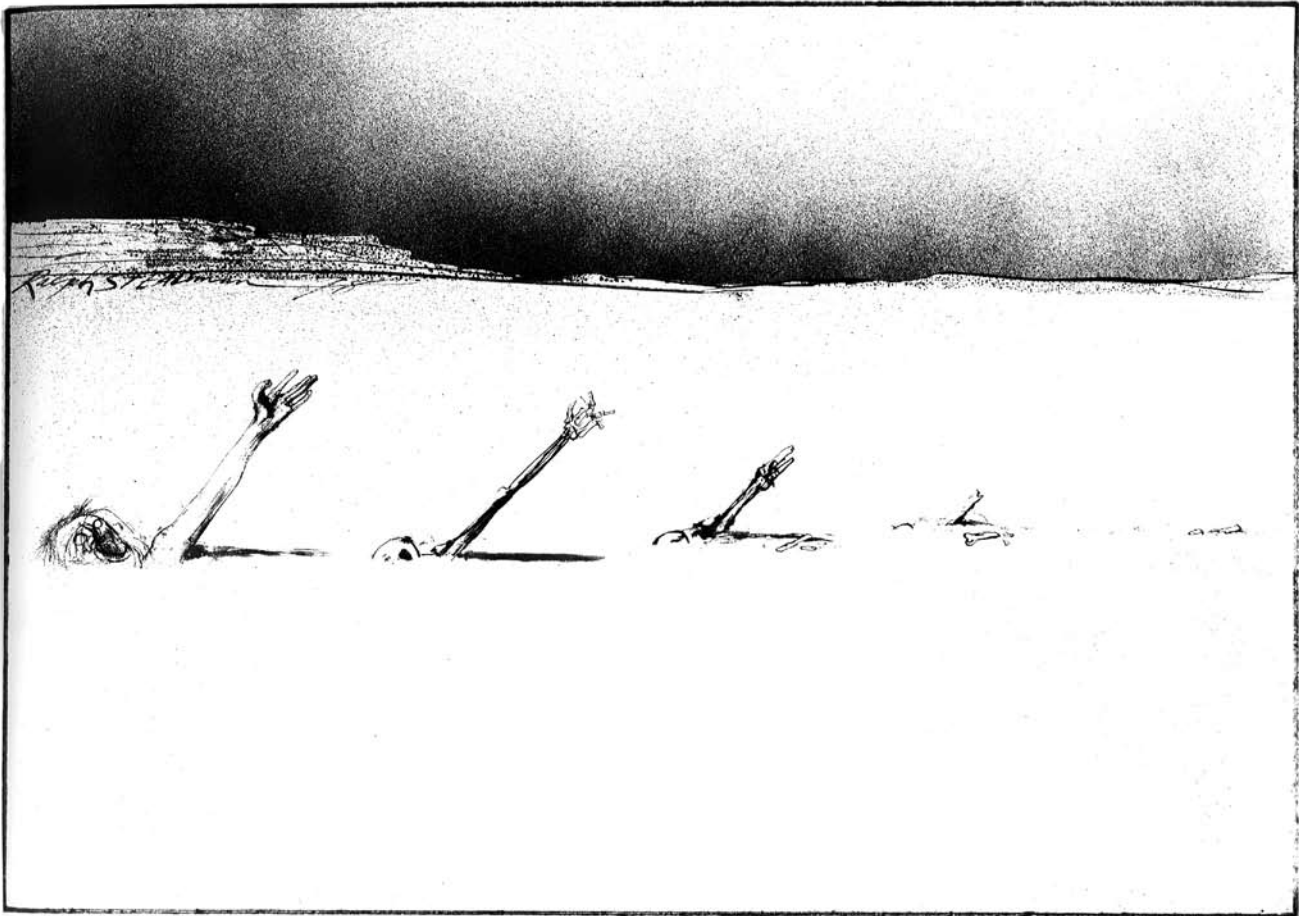














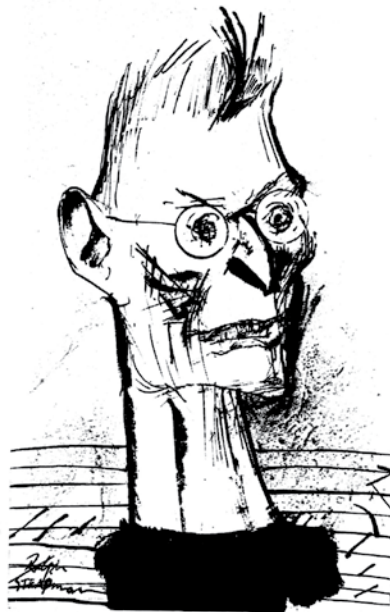


*Mona Heath*

شماره چهل و سه  
خرداد ۱۳۸۹

STEADman  
ایستادمان





# Why?

► Ralph Steadman

"Fifty years ago, I burned with a passion to change the world. I also imagined that people were reasonable and would change with it. I thought that there were good people, who included me, and I knew there were bad people who would change when they saw the error of their ways.

I thought that in my lifetime we would see peace, harmony, love, prosperity for all. A gentle tolerance of the diversity of opinion and a generosity of spirit enough for all to flourish.

Fifty years ago, I thought that people believed in fair play, and given an explanation, would make allowances for another's differences.

I was sure that we were through the bad bit, and human suffering would be a thing of the past. I was sure that we would build upon what we had learned, and I was certain that, with time, old sores would heal, old grudges would die, and old policies would be revised and changed to accom-

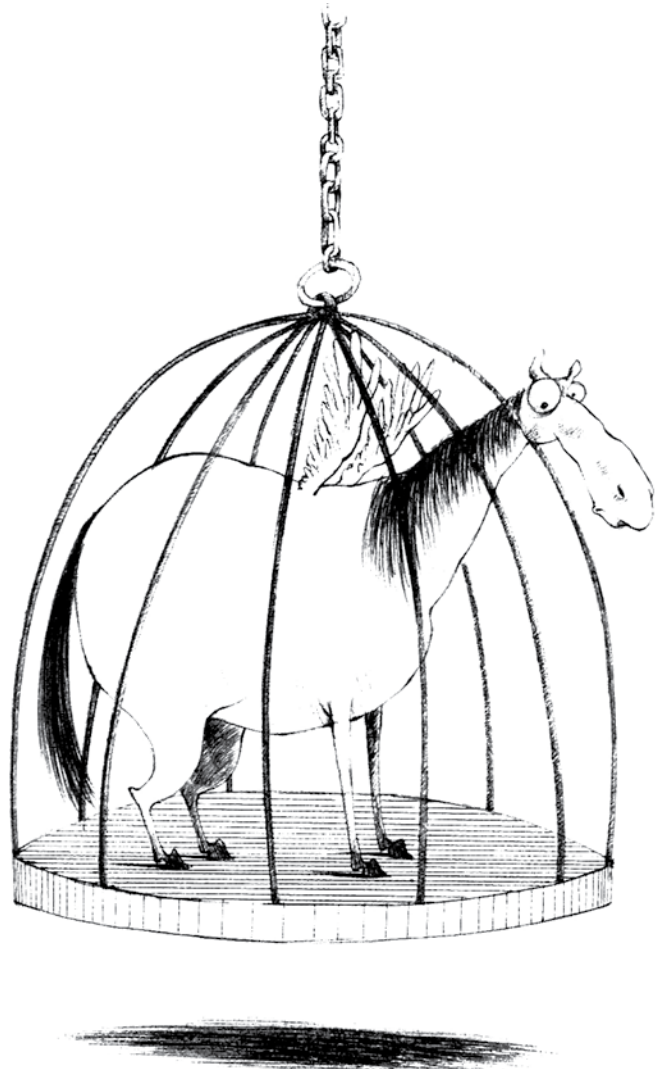
modate our new enlightenment". I wrote that short introduction of optimism 25 years ago, when it was '35 years ago', and I crossed my fingers hopefully. I have seen political ideologies break down, and in my own country, I have watched the integration of religions, but not much Evidence of crosspollination.

I have been in a blitz, and remember my mother and father, cowering protectively over the bodies of my sister and me, in an Anderson Bomb Shelter, and being jolted with fear at the sound of each explosion. I do not want to be seeing and hearing America talks of WAR and REVENGE.

The whole world is on fire and already in pain. 'WHY?' is a bigger question than 'HOT' at this time. And JUSTICE seems to be a word used by the strongest to punish the weak. What is happening around us is fuelled by a terrible reason.

I have nothing to say about cartoons, except that, the fact that they Still exist at all,

is testament to the indomitable hope of the human heart, and evidence that whatever brutality is committed, be it "extremist" or "official", the cartoon at least, will continue to unite those of us who see only folly in our midst. And, I believe we see something far more important too. We see how, through our private beliefs, our hopes and our fears, how very much the same we are in our laughter, and our love. Please look kindly on our species. 'It is only as an aesthetic phenomenon that existence, and the world, are permanently justified'. I did not think of that. Those are the words of FRIEDRICHE NIETZSCHE, the most maligned philosopher in the history of civilization. Let us not allow our anger the chance to give birth to another age of tragedy. Let us learn something from a momentous 20th century, and let the 21st show us that our differences can be our virtues. Bless all your hearts. ●



### اولین اثری که از شما دیده شد؟

من با مسعود شجاعی، حسین نیرومند و احمد کفشچیان مقدم، هم دانشگاهی بودم. با این دوستان در تالار مولوی آشنا شدم. اونها در تدارک برپایی یک نمایشگاه گروهی کاریکاتور بودند. من هم به کاریکاتور خیلی علاقمند بودم ولی فعالیت مستمر نداشتم. این بود که از این دوستان خواهش کردم من هم توی نمایشگاهشون شرکت کنم. اونها هم جواب مثبت دادند و اولین کارم در این نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفت.



### در کارهاتون از چه کاریکاتوریست هایی تاثیر گرفتید؟

اگر شما نگاهی به مجموعه آثار من انداخته باشید متوجه تنوع فرم و تکنیک خواهید شد و این نشون میده که من تحت تاثیر خیلی ها بودم. هنوز هم با سعی و خطا دارم روشهای مختلف رو تجربه می کنم. خیلی از هنرمندان ایرانی بودند که من ازشون تاثیر گرفتم. همچنین به واسطه فعالیت های کیهان کاریکاتور با خیلی از هنرمندان خارجی هم آشنا شدم. مشکله که بخوام تفکیک کنم. ولی همیشه چند نفر شاخص بودند. مثل مسعود شجاعی، سمیه، موردیلو، استدمن، کامبیز درمببخش و خیلی از کسانی که بخاطر نمی آورم.

سرمای کانادا روی علی جهانشاهی تاثیر زیادی گذاشته و او را آرامتر از گذشته می نمایاند. این را از شنیده ها می گویم. هر چند، وقتی برای اولین بار و برای انجام مصاحبه او را دیدم، بر این شنیده ها یقین حاصل کردم. ساعتی را به گفتگو نشستیم. او از استخوان مرغ تا جان آدمیزاد حرف زد و من نوشتم.

علی جهانشاهی متولد ۱۳۴۴ تهران و فارغ التحصیل رشته طراحی صنعتی از دانشگاه تهران است.

وی جوایز متعددی را از جشنواره های معتبر بین المللی از آن خود کرده که از آن میان می توان به:

دیپلم افتخار و برگزیده اولین دوسالانه بین المللی کاریکاتور تهران، لوح تقدیر و نشان برنز نمایشگاه بین المللی ملانصرالدین ترکیه، دیپلم افتخار و نشان برنز نمایشگاه یومیوری شیمبون ژاپن، جایزه بین المللی نمایشگاه کاریکاتور آموربستیکا ایتالیا، لوح نقره نمایشگاه طنز بین المللی ایتالیا، دیپلم افتخار و برگزیده چهارمین دوسالانه کاریکاتور تهران اشاره نمود. همچنین همکاری با مطبوعات، تدریس در خانه کاریکاتور و داوری جشنواره های مختلف کاریکاتور، در کارنامه هنری وی به چشم می خورد. چهار سال است که به کانادا مهاجرت کرده و از طریق طراحی نقشه ساختمان، امرار معاش می کند. ولی می گوید: «کاریکاتور در قلب من جای دارد!»

### چرا کاریکاتور؟

این برمیگرده به شخصیت آدمها. هنر کاریکاتور یکی از شاخه های هنرهای تجسمی است که با اقبال زیادی مواجه است. زیرا هیچ کس از طنز روی گردان نیست. طنز می تونه در هر هنری تزریق بشه. اگر در تصویر تزریق بشه اون تصویر کاریکاتور می شه، اگر در فیلم تزریق بشه، اون فیلم کمدی می شه. همینطور در ادبیات و موسیقی، ولی به نظرم ناب ترین نوع طنز همون کاریکاتوره!

عباس قاضی زاهدی

گفتگو با علی جهانشاهی

# پاراگراف





شرایط به نحو مطلوبی عوض بشه. قطعاً کاستی هایی وجود داره. برای کسی که فعالیت هنری پیشینه کارش است، با انجام مهاجرت و تغییر ریشه های فرهنگی، مشکلاتی بروز می کنه. شاید برای بعضی، بروز مشکلات اقتصادی باعث انجام مهاجرت بشه. و شاید مشکل هم تا حدی حل شود. ولی مشکلات جدیدی نیز بروز می کنه که در ایران اینقدر عدم وجود آنها برای ما عادی است که اصلاً بدان توجهی نداشته ایم.

### از شکل گیری گروه کاسنی بگید؟ و تاثیر آن بر آثار شما؟

گروه کاسنی برای من خیلی مفید بود. من زمانی عضو این گروه شدم که چیز زیادی از کاریکاتور نمی دونستم. فرصت بسیار معتندی بود که در این فضا قرار گرفتم و همیشه از اینکه عضو این گروه بودم احساس خوبی دارم. خیلی به من کمک کرد تا بتونم به عنوان یک کاریکاتوریست وارد عرصه بشم و در اصل، کار حرفه ای من از همین گروه شروع شد. طبعاً گروهی که بتونه این تاثیرات را به اعضااش منتقل کنه، خیلی می تونه مثبت باشه. همچنین اگر گروهی تشکیل می شه باید یک اشتراک ذهنی و شکلی بین اعضااش وجود داشته باشه و به نوعی همگی هدفی واحد را دنبال کنند. در غیر این صورت فعالیت هنری به عنوان کارتونیست، می تونه به شکل فردی دنبال بشه.

### جایگاه کاریکاتور ایران در دنیا؟

چند سالی است که از این فضا دور بودم. شاید قضاوت کامل و درستی نباشه. ولی به طول قطع می شه گفت که در طی ۲۰ سال اخیر، کاریکاتور ایران رشد بسیار صعودی داشته که حاصل آن چاپ نشریات معتبر، برپایی نمایشگاه های منظم بین المللی و ... می باشه. قطعاً این اتفاقات مهم تاکنون در ایران سابقه نداشته است. اهمیت آن برای من زمانی بیشتر شد که در آمریکای شمالی، سطح فعالیت های فرهنگی و هنری در

کشه. شاید اگر هنرمندان ایرانی در یک شهر متمرکز بودند این اتفاق زودتر می افتاد. هر چند از طریق اینترنت با هم در ارتباط هستیم ولی این ارتباط، جای حضور فیزیکی را نمی تونه بگیره. من امیدوارم فعالیت های ما روزی از آرشیو کامپیوتر بیرون بیاد. ما فقط منتظر فضایی هستیم برای عرضه!

### توصیه تون به هنرمندانی که قصد مهاجرت دارند؟

مشخص ترین ابزار برای ایجاد رابطه، زبان است. هر شخصی با هر توانایی، باید این ابزار رو داشته باشه تا حداقل بتونه خودش رو به دیگران معرفی کنه. باید بتونه هدف رو شناسایی کنه. در هر شهری از هر کشوری از نظر فعالیت های هنری تفاوت هایی مشاهده می شه. که با یک تحقیق مناسب می شه از یک مهاجرت اشتباه جلوگیری کرد.

### اصولاً با مهاجرت موافقید؟ چون خیلی از هنرمندان جوان ما فکر می کنند با مهاجرت همه مشکلات حل می شوند؟

اصولاً مهاجرت یک جابجایی از سر میل و علاقه نیست. تا حدودی یک اجباره! و این بدان معنا نیست که با مهاجرت،

### بهترین کاریکاتوریست ایرانی و خارجی؟

جوابی نمیشه براش پیدا کرد. زیرا مقوله واحدی نیست که بشه دنبال شخص خاصی گشت. کاریکاتور شاخه ها و تکنیک های مختلفی داره. با هنرمندانی با دیدگاه های مختلف. ذهنیت استدمن را نمیشه با بوسک مقایسه کرد. این دو نفر از دو زاویه مختلف به دنیای اطراف نگاه می کنند. با قریحه متفاوت!

### بهترین کاریکاتوری که دیدید؟

بیشتر کارهای سمیه تو ذهن من موند و همیشه اونها را مرور می کنم.

### بهترین اثری که خلق کردید؟

هیچوقت بهترین کار رو نکشیدم. بخاطر همین هم هست که دارم ادامه می دم!

### در حال حاضر در کانادا مشغول چه کاری هستید؟

با توجه به نیاز بازار یک چرخشی کردم به مست رشته تحصیلی خودم (طراحی صنعتی). در یک دفتر معماری مشغول به کار نقشه کشی هستم.

### ناراحت نیستید که در جایگاه اصلی تون که یک

### کاریکاتوریسته قرار ندارید؟

نهایت خوش شانس می شم که با شغلی که با علاقه سازگار در ارتباط باشه. این امکان برای من وجود نداشت. به همین دلیل سعی کردم برای گذراندن زندگی به شغل دیگه ای رو بیارم. ولی ارتباط قلبی و میل باطنی من به کاریکاتور از بین نرفت. فقط شکلش از حرفه ای به تفننی تغییر کرد.

### وضعیت هنرمندان کارتونیست ایرانی در کانادا؟

وضعیت هنرمندان به طور کلی جدای از جامعه نیست و فضا اونها را وادار به تولید و واکنش می کنه. به دلیل اینکه در کانادا فضا و فرهنگ برای ما تغییر کرده، تا ارتباط مجدد شکل بگیره و یک نیاز از طرف جامعه احساس بشه، کمی طول می





این ارتباط به شدت پایین تر از ایران است.  
**تعدادی از هنرمندان کارتون‌نویست، شما رو به عنوان یک کارتون‌نویست مولف می‌شناسن. نظرتون در این ارتباط چیه؟**

خودم چنین اعتقادی ندارم. این حرف از سر تعارف یا شکسته نفسی نیست. شاید هنوز دارم تجربه می‌کنم. هنوز از قید تاثیر کاریکاتوربست های خوب خلاص نشدم. وقتی هنرمندی این مراحل رو پشت سر بگذاره و بتونه نوآوری کنه و پرکار، باشه می‌شه به اون آدم گفت هنرمند مولف. که من با اون مرحله، خیلی خیلی فاصله دارم.

**شیوه سوژه یابی تون؟**

خودم نمی‌تونم تحلیل کنم. هر سوژه ای به شکلی در ذهنم شکل می‌گیره. قطعا تمامی ایده هایی که به ذهن خطور می‌کنه کامل نیست. من ابتدا راجع به موضوع فکر می‌کنم. کوچکترین جرقه ها رو را روی کاغذ ثبت می‌کنم. عناصر رو جایجا می‌کنم و این کار رو اینقدر تکرار می‌کنم تا به شکل طنزآمیز و متادل برسه.

**از آقای شجاعی شنیدم که شما یک روز پس از صرف غذا، تکه ای از استخوان مرغ را برای استفاده در اثری برداشته اید؟**

بله، تکه ای از استخوان ران مرغ بود. اون رو اسکن کردم و به جای یک مریض رنجور که دار فانی را وداع گفته قرار دادم.

**تکنیک کاری تون؟**

تکنیک کاری من در یک دوره ای بسیار متفاوت بود. با هر ابزاری کار می‌کردم. ولی بیشترین کارهایی که انجام دادم، روی اکولین متوقف شد. به دلیل شفافیت رنگها در اکولین، این قابلیت رو داشت که بتونم براحتی بارها و بارها رنگها رو روی هم قرار بدم تا به توانالیه موردنظر برسم. ولی این تنوع در تکنیک در مواردی، مانع از ارائه آثارم به شکل یک مجموعه واحد به صورت نمایشگاه یا کتاب می‌شد. برای ارائه آثار به شکل مجموعه، لازم بود که از نظر تکنیکی به فرم واحدی برسم. به همین دلیل در کارهای اخیرم سعی کردم که از پراکندگی پرهیز کنم و بیشتر از یک رایید سیاه روی زمینه سفید استفاده می‌کنم.

**با توجه به سوابق شما آیا نکته آموزشی هست که برای شما باقی مونده باشه؟**

مهمترین نکته ای که هیچوقت، هیچکس از اون بی نیاز نمی

شه طراحی است. دلم می‌خواست که این فرصت رو داشتم که بازم می‌تونستم طراحی کنم.

**ویژگیهای یک کاریکاتور خوب؟**

مجموعه ای از فاکتورهای مختلف رو باید داشته باشه. طراحی خوب، ترکیب بندی مناسب، موضوع قابل فهم، نوع نگاه تیزبینانه و خلاقیت.

**شباهت های ناگزیر؟**

چندی پیش از دوستی شنیدم که می‌گفت: کاریکاتور ایران دچار بن بست شده و به تکرار رسیده! من معتقدم کیپی کردن برای افراد مبتدی که در مرحله آموزش قرار دارند بسیار موثر و حائز اهمیت است و می‌تونه بار آموزشی هم داشته باشه. برای تمرین در نوع تکنیک. اگر چه ممکن است تحت تاثیر صاحب اثر باشیم. ولی پس از مدتی نوبت خودمون می‌رسه که باید چشمامون رو روی همه چیز ببندیم و شروع به خلق اثر بدیع کنیم. شرط رسیدن به ایده نو و خلاقانه، صادقانه فکر کردن راجع به خودموئه. نمی‌دونم چطور آدم می‌تونه راجع به خودش صادقانه فکر کنه! ولی تا این اتفاق نیفته هیچ ایده نو و خلاقانه ای به وجود نخواهد آمد. برای روشن شدن مطلب مثالی می‌زنم. به نظر من کارتونبست هایی که در رفتار اجتماعی انسانهای رُکی هستند، عمدتا آثارشون هم همینطوره! تا آدمهایی که با ایما و اشاره رفتار می‌کنند. اصولا صداقت در رفتار، در اثر هم متجلی می‌شه.

**تا بحال به فکر برپایی نمایشگاهی در کانادا افتاده اید؟**

به شکلی که در ایران رایجه، در اونجا مرسوم نیست. اساسا کاریکاتور در کانادا محدود می‌شه به مجلات کمیک که عمدتا محصولاتی وارداتی از آمریکا هستند و کاریکاتور مطبوعاتی!

**کاریکاتور نمایشگاهی یا مطبوعاتی؟**

در کاریکاتور نمایشگاهی ویژگیهای تصویری جذاب تر، معمولا از لحاظ تکنیکی پرکارتر و موضوعات ماندگارتر است. از طرفی کاریکاتور مطبوعاتی مخاطب بیشتری دارد. با مسائل روز در ارتباط است با کاربردهای مختلف. به طور کلی گرایش من به سمت کاریکاتور نمایشگاهی بیشتر است. چون جنبه های تصویری و زیبایی شناسی غنی تری دارد.

**خانه کاریکاتور؟**

خانه امید تمام علاقمندان به کاریکاتور، خصوصا نسل جوان! سایت ایران کارتون؟

غنی ترین سایت کارتون که تا به حال دیده ام.

**دوسالانه کاریکاتور تهران؟**

دوسالانه ها فرصت معتنمی است برای دیدن کارهای خوب و زیاد. کارتونبست های بزرگ دنیا در این اتفاق حضور فعال دارند. در دوسالانه ها، تبادل فکر و سلیقه صورت می‌گیره. جوایزی هم که رد و بدل میشه می‌تونه برای جوون تر ها یک انگیزه برای حرکت باشه. هر چند که جنبه های دیگر برپایی دوسالانه خیلی بارزتر از جوایز هستند. درسته که آثار انتخابی با دقت و وسواس انتخاب می‌شه. ولی حقیقتا نمی‌تونه معیار حقیقی و واقعی ارزش اثر باشه.

**علی جهانشاهی در یک جمله؟**

خیال پرداز!

**چطور می‌شه علی جهانشاهی شد؟**

با خیال پردازی!

**کدام بخش از زندگی تون شبیه کاریکاتوره؟**

مهاجرت!

**تفریح؟**

دو روز آخر هفته می‌شینم پشت کامپیوترم و کار می‌کنم.

**یک کاریکاتوربست چقدر باید طنز باشه؟**

خیلی ارتباطی نداره! خیلی ها هستند که روحیه طنز قوی دارند با آثار ضعیف و بالعکس!

**بزرگترین آرزو در عرصه کاریکاتور؟**

داشتن یک روزنامه که در تمامی صفحات آن، کاریکاتور چاپ بشه و تعطیل هم نشه!

**دوست دارید آخرین کارتون با چه موضوعی باشه؟**

موضوع خاصی توی ذهنم نیست.

**توصیه تون به جوانهایی که در عرصه کاریکاتور فعالیت می‌کنند؟**

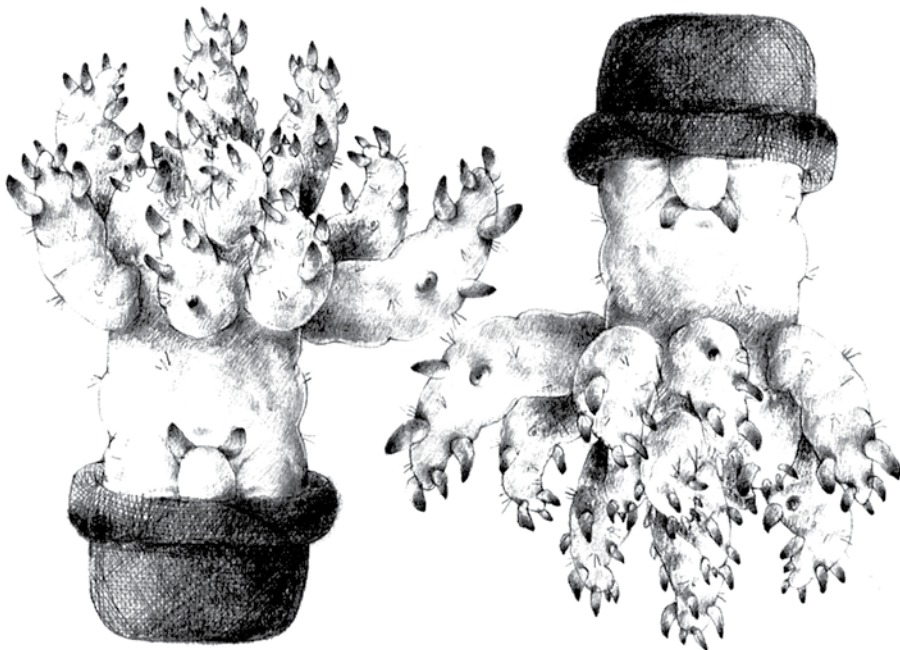
توصیه اول و آخرم طراحی کردنه!

**سئوالی هست که دوست داشتید از تون می‌پرسیدم و نپرسیدم؟**

نه، راجع به تمام موضوعاتی که دوست داشتم صحبت کردم.

**حرف آخر؟**

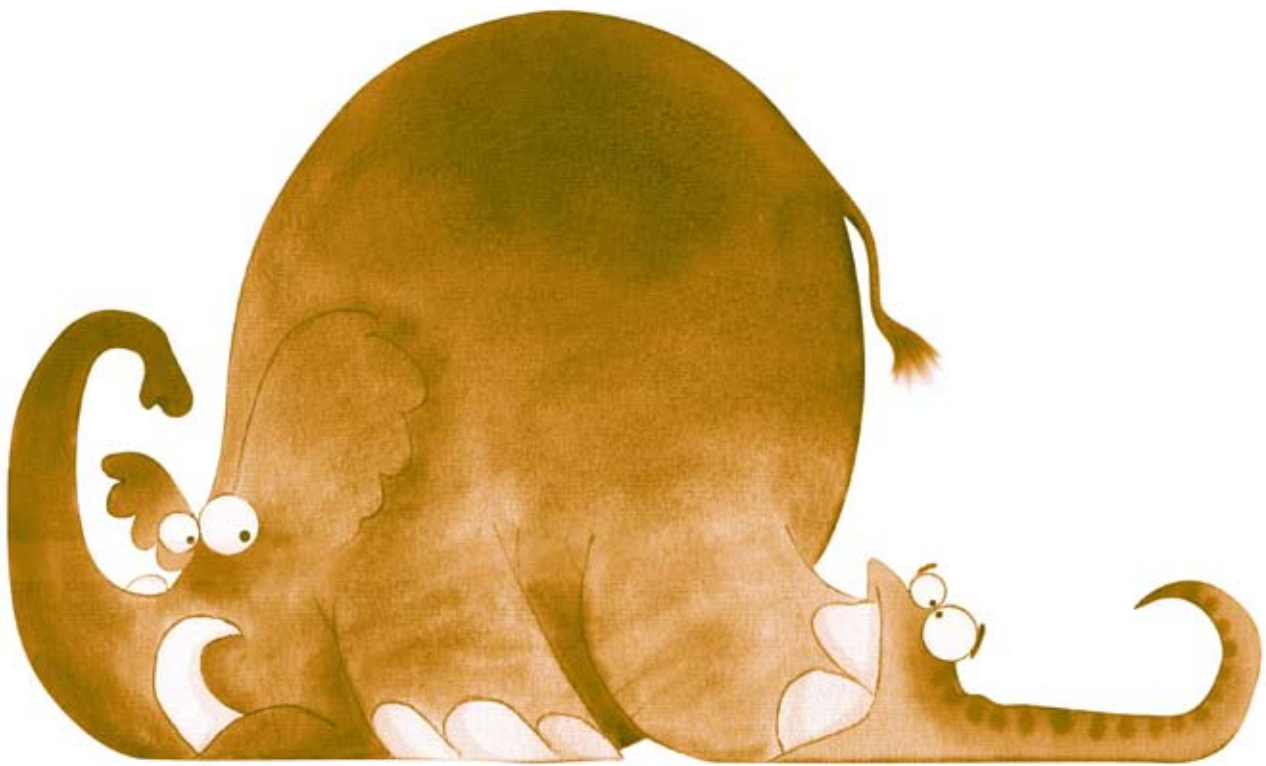
خیلی خوشحالم از اینکه برای مدتی به ایران اومدم و از دیدن تک تک دوستانم لذت بردم و انرژی گرفتم. قطعا این انرژی ها در آثار بعدی ام منعکس خواهد شد. ●



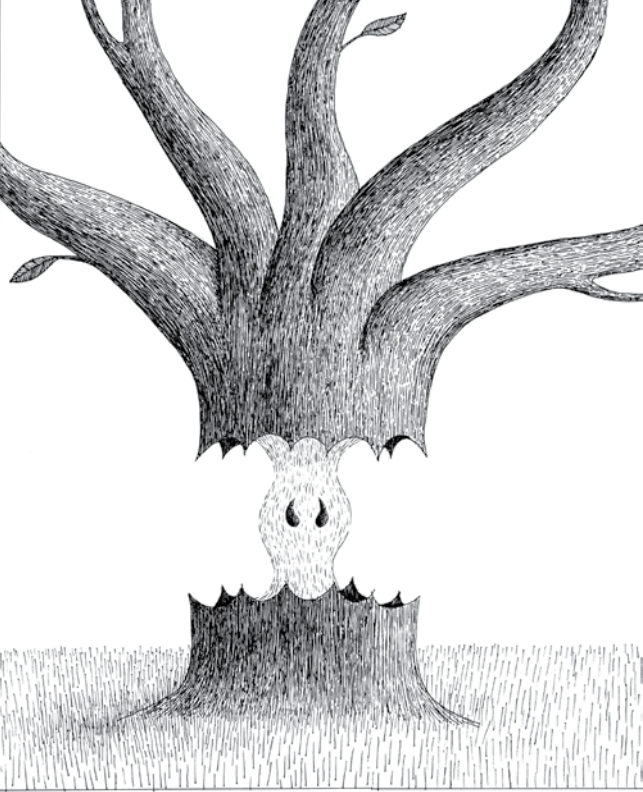












## Imagination

### Interview with Ali Jahanshahi Abbas Zahedi

Canada's coldness influenced Ali Jahanshahi and made him calmer than before! I tell this from what I'm hared. But when I saw him myself for the interview, I find out the rightness of this claim. We started to speak about everything.

Ali Jahanshai born on 1965 Tehran and is graduated in Industrial Drawing from Tehran University.

He won many prizes such as:

Honorable Mention in International Molla Nasreddin Cartoon Contest, Turkey.

Honorable Mention in the First Tehran International Cartoon Biennial.

Honorable Mention and Cooper Medal International Yumiuri Shombon Cartoon Contest, Japan.

Prize in International Cartoon Biennial Amoristica, Italy.

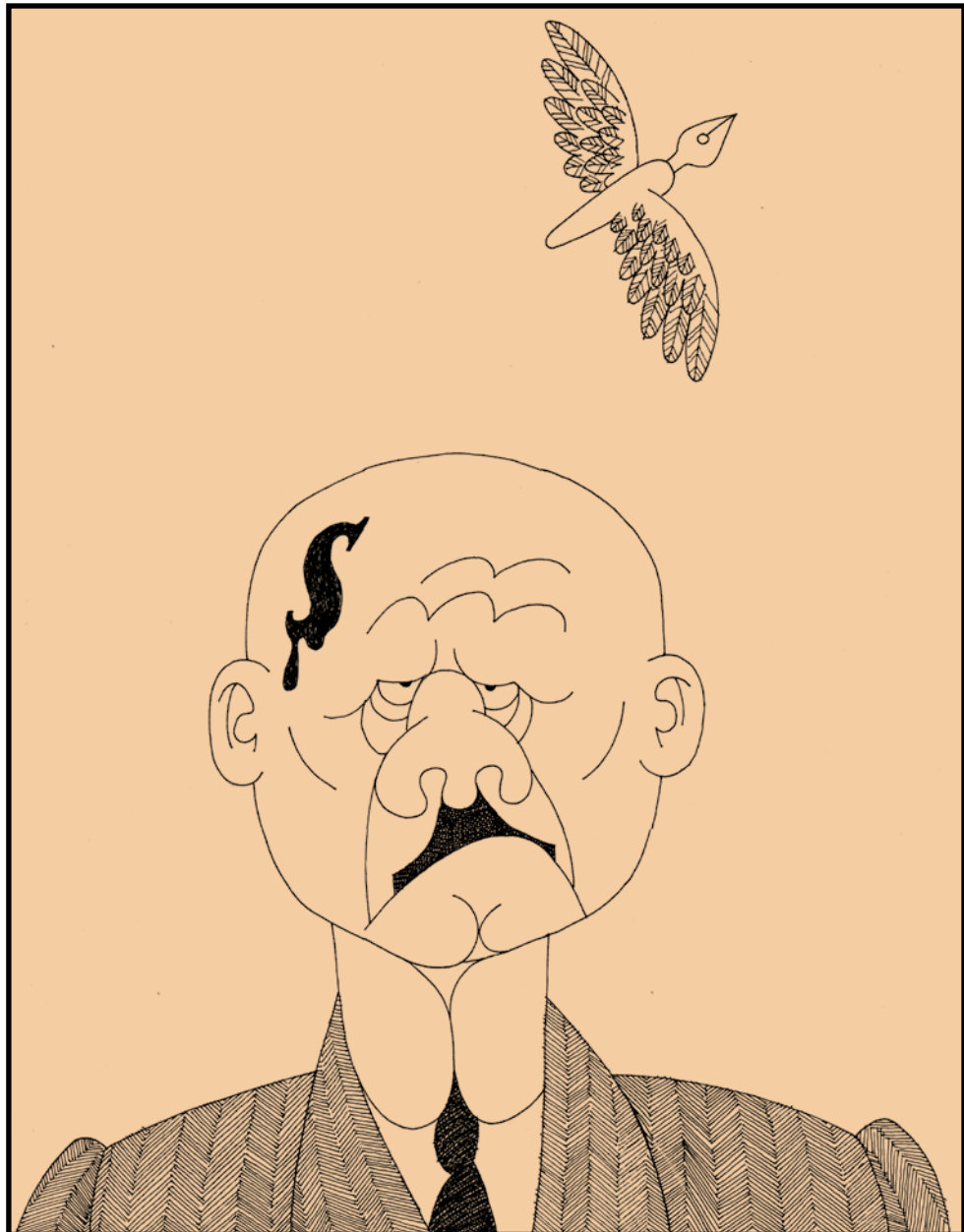
Silver Medal in International Cartoon Biennial Italy.

Honorable Mention in the Fourth International Cartoon Biennial Tehran.

He has cooperation with periodicals and was professor in Iranian House of cartoon and he was juror in many cartoon contests. He is immigrated in Canada 4 years ago and is working in drawing building design, but he says that cartoon is always in his heart.

#### Why cartoon?

It depends on character of people. Cartoon is one of visual art sections that were very fortunate, because every body loves cartoon. We can see satire in all arts, but





if it adds to a picture it becomes cartoon. If it adds to film it becomes comic film, so is in literature and music but I think purest art is cartoon!

**What was your first artwork?**

I was in the same university with Massoud Shojai and Mohammad Hossein Niroumand and Asghar Kafshchian Mogaddam. I became acquainted with them in Molavi Sallon, they were making a group cartoon exhibition. I loved cartoon very much, but I didn't work constantly on it. I asked them to participate in their exhibition. They accepted and it was my first exhibition.

**Which cartoonist more influenced you?**

If you've seen my cartoons, you've mentioned that me cartoons has variety in form and technique. It shows that I was influenced with many cartoonists such as Shojai, Sempe, Mordillo, Steadman, Derambakhsh and many other cartoonists.

**Do you think who are the best Iranian and Foreign Cartoonists?**

I can't give an exact answer to this question, because I cant find any special person, the reason is that cartoon has different techniques and branches. For example we can't compare Steadman with Bosc because they took at world by two different perspectives.

**What was the best cartoon you've seen?**

I love cartoons of Sempe very much and I

always review them in my mind.

**What was your best cartoon?**

I've never drawn my best work, so I continue drawing!

**What are you doing in Canada now?**

My job is depended on my own education that was Industrial Drawing. I work in an architecture office.

**Don't you prefer to work in Cartoon field?**

I was not so fortunate to work on what I really love, so I decided to find a job to earn money. But my love to cartoon is permanent, just the shape is changed from professional to fancy.

**How is the situation of Iranian cartoonists in Canada?**

Their situation is the same as other artists that is because our place and culture is changed in Canada, we need many time to accept this situation. Perhaps if all Iranian artists lived in the same place it was better. We are connected by internet but it's not a physical connection. I hope we can have more cooperation in near future.

**What do you say to the cartoonists that want to immigrate?**

The most important factor is language. Everybody should know the language to cooperate with. In each city of a country different artistic activities exist and with a

right investigation we can prevent wrong immigration.

**Do you agree with immigration? Because many young artists think that immigration solves all the problems?**

I think immigration is a compulsory activity! But it doesn't mean that with immigration you reach to a better situation. It's obvious that you encounter with lots of problems and the problems of an artist are more, because of changing in culture. Some people immigrate because of money or other problems, perhaps immigration solves many problems but you see many other problems in another country, but the problems are different from Iran.

**Tell us about the beginning of Casni Group and its effects on you?**

Casni group was very useful for me. I entered to this group when I didn't know many things about cartoon! It was very good for me and o felt lucky to be in this group. It helped me a lot to be a good cartoonist. In fact it was the reason for my professional job. Such group can be useful for its members. They must have the same aim, if not artistic activities are formed in single person.

**Where is the place of Iran's cartoon?**

I was far from this atmosphere, so perhaps I don't have a right judgment. But I can say in 1020 recent years, Iran's cartoon had a great rise. That its reason was credible publications, establishing International ex-





hibitions...; I felt this rise when I compared it with North American arts. I saw that the artistic and cultural activities are very lower than Iran.

**Many cartoonists know you as a compiler, what's your idea?**

I don't think so. It's not a compiler. I'm still experiencing. I'm not still freed from effects of good cartoonists.

We can mention someone as an artist when he made lots of activities and innovation, and I'm very far from this kind of artists.

**How do you find your projects?**

I can't analyze it myself. Each projects come to my mind in one way. It's obvious that all the ideas that come to my mind are not complete. First of all I think about a subject, and I register all the sparks on the paper. I change the places of them many times to reach to a satirical balance.

**I hearted from Mr. Shojai that once after lunch you picked a hen bone to use in your work?**

Yes, it was piece of hen's leg. I scanned it as a sick person that is dead.

**What's your technique?**

My technique is very different. I worked with different devices, but my most used device is Eqouline. Because Eqouline has very color transparent, I can use Colors many times to find the wanted tonality.

This variety was the reason that I couldn't make an exhibition or a book. I needed to find a unique form to give my works in a collection. So in my last works, I tried to avoid scattering and I used a black rapid in a white background.

**Considering your experiences, do you need any more things to learn?**

The most important point that nobody is free from it is drawing.

**What's the specialty of a good cartoon?**

It should have different factors. Good drawing, suitable combination, understand able subject sharp vision and creativity.

**Inevitable Similarities?**

I've heard someone said, Iran's cartoon reached to the dead end and repeated ness! I think copying is very useful for the beginners, and teaches him a lot. For exercising the technique, we are under designer's influence, but after a while it's our eyes and creates new arts.

The factor for reaching to new and creative idea is to think honestly about you. Then the new and creative ideas will happen.

I give an example: in my opinion the arts of sociable cartoonists are the same as themselves. I think our honesty is reflected in our behavior and art.

**Have you ever decided to establish an exhibition in Canada?**

It's not similar to Iran. The cartoon in Canada is limited to comic magazines that are coming from America and periodical cartoons.

**Do you prefer periodical or exhibition cartoons?**

In exhibition cartoons we see more interesting visual specialties, and they are more technical and with lasting subjects. But periodical cartoons have more viewers and are related to daily problems and have exhibition cartoons, because it has visual effects and is more powerful attraction.

**Iranian House of cartoon?**

Iranian House of Cartoon is the hope for all cartoon lovers, specially young cartoonists.

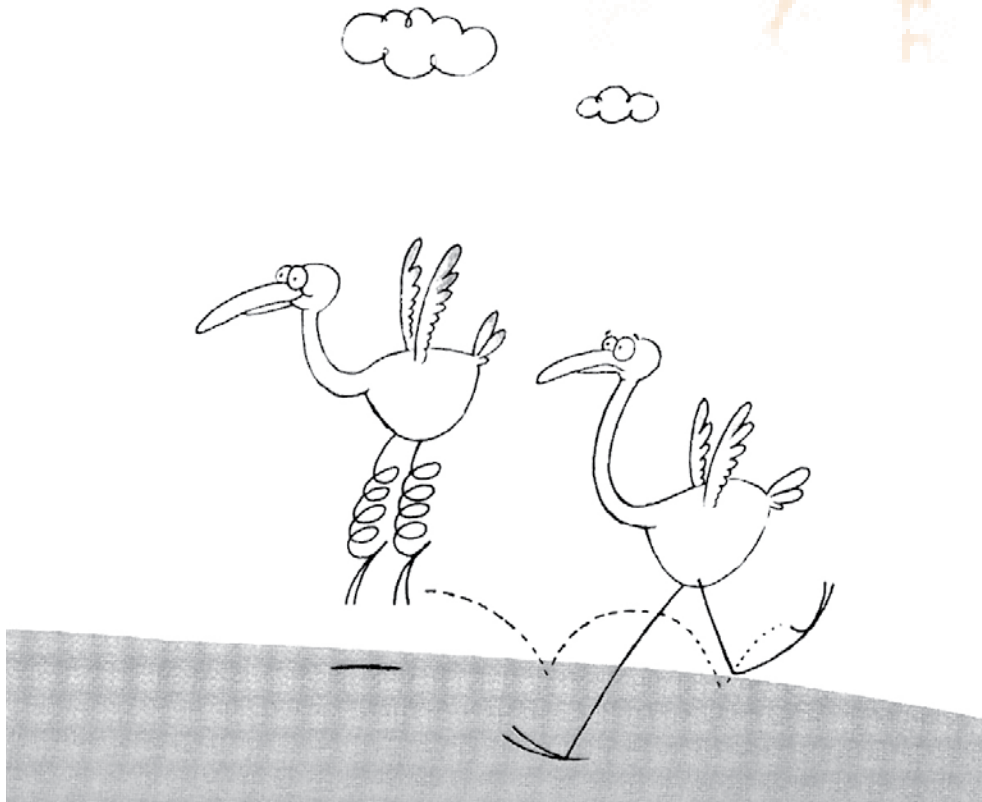
**Iran cartoon site?**

It's the best cartoon sites that I've ever seen.

**Iran cartoon biennial?**

Biennials are good opportunities for seeing good and many cartoons. Great cartoonists have active participation there. In biennials thought and style interchange happens, and it's a motivation for the young people. I think biennials have many important factors other than their prizes. Its right that the cartoons are chosen by great attention but it's not a real criterion for its importance.

**Ali Jahanshahi in one word?**







Imaginative person!

**How can become Ali Jahanshahi?**

By Imagination!

**Which part of your life is like cartoon?**

Immigration!

**What's your hobby?**

On weekends I work with my computer!

**How much a cartoonist needs to be satirical?**

It doesn't depend to the mood! Some cartoonists have very satirical mood but their cartoons are very weak or vice versa!

**What's your best wish about cartoon?**

A newspaper with all pages full of cartoon.

**Do you like what be the subject of your last cartoon?**

I don't have any special subject in my mind.

**What's your suggestion to young cartoonists?**

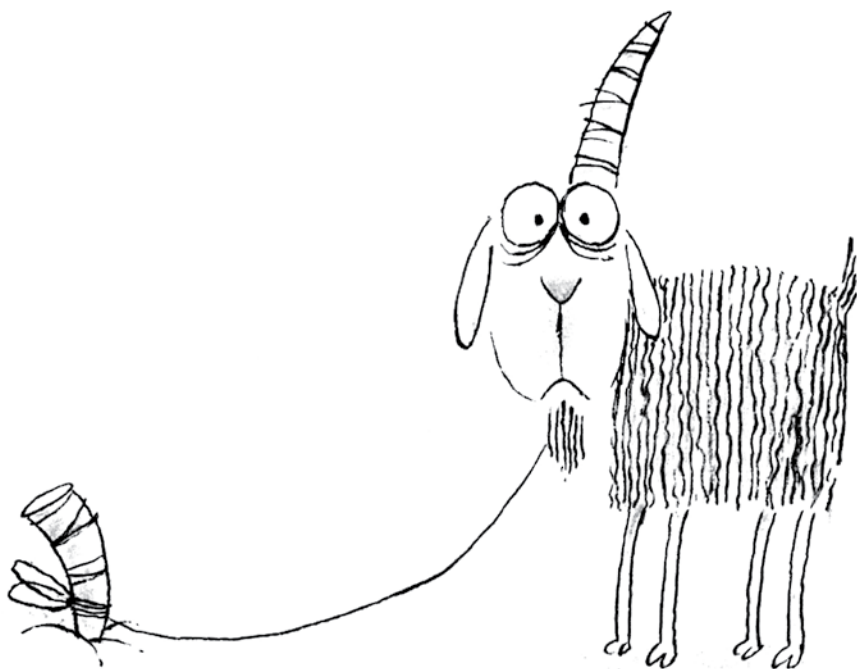
My first and last suggestion is drawing!

**Did you like any more questions?**

No, you asked about everything.

**The Last word?**

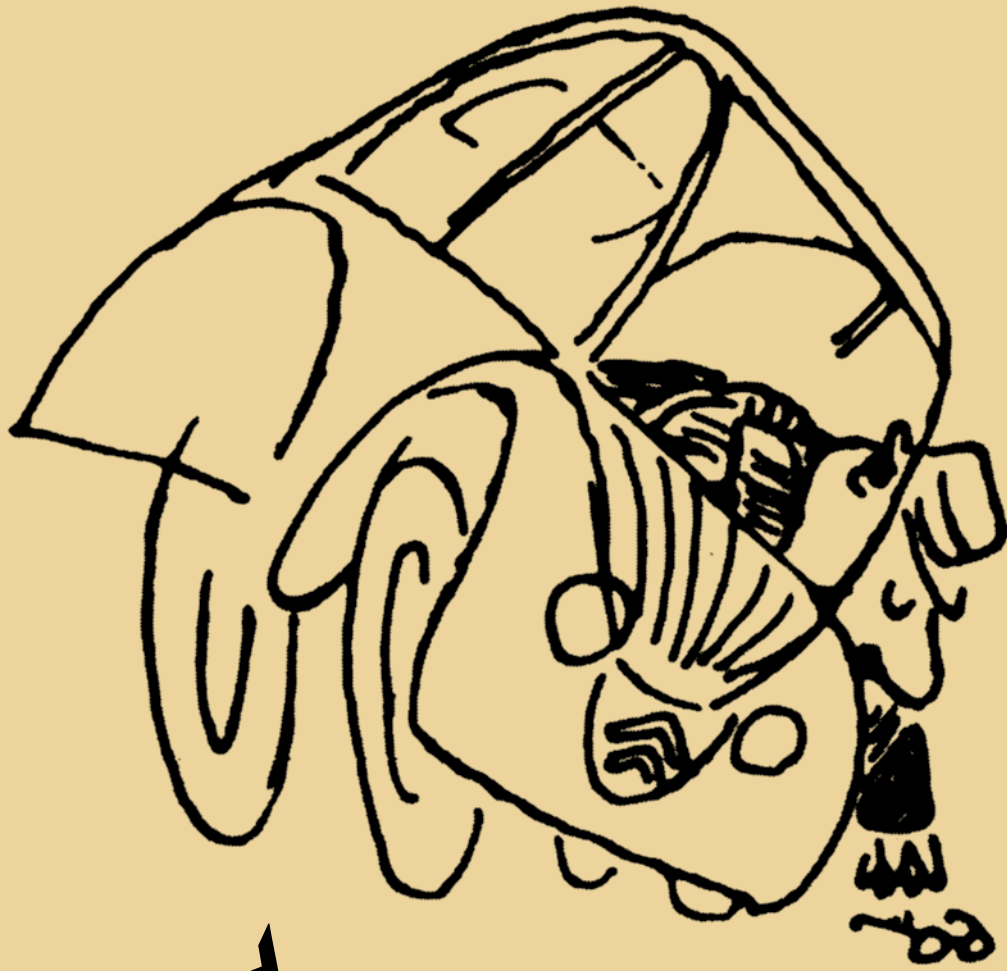
I'm so happy that I'm in Iran and see my friends and family and. It gives me energy and I'm sure this energy reflects on my next cartoons.●











# سمیه

Sempé

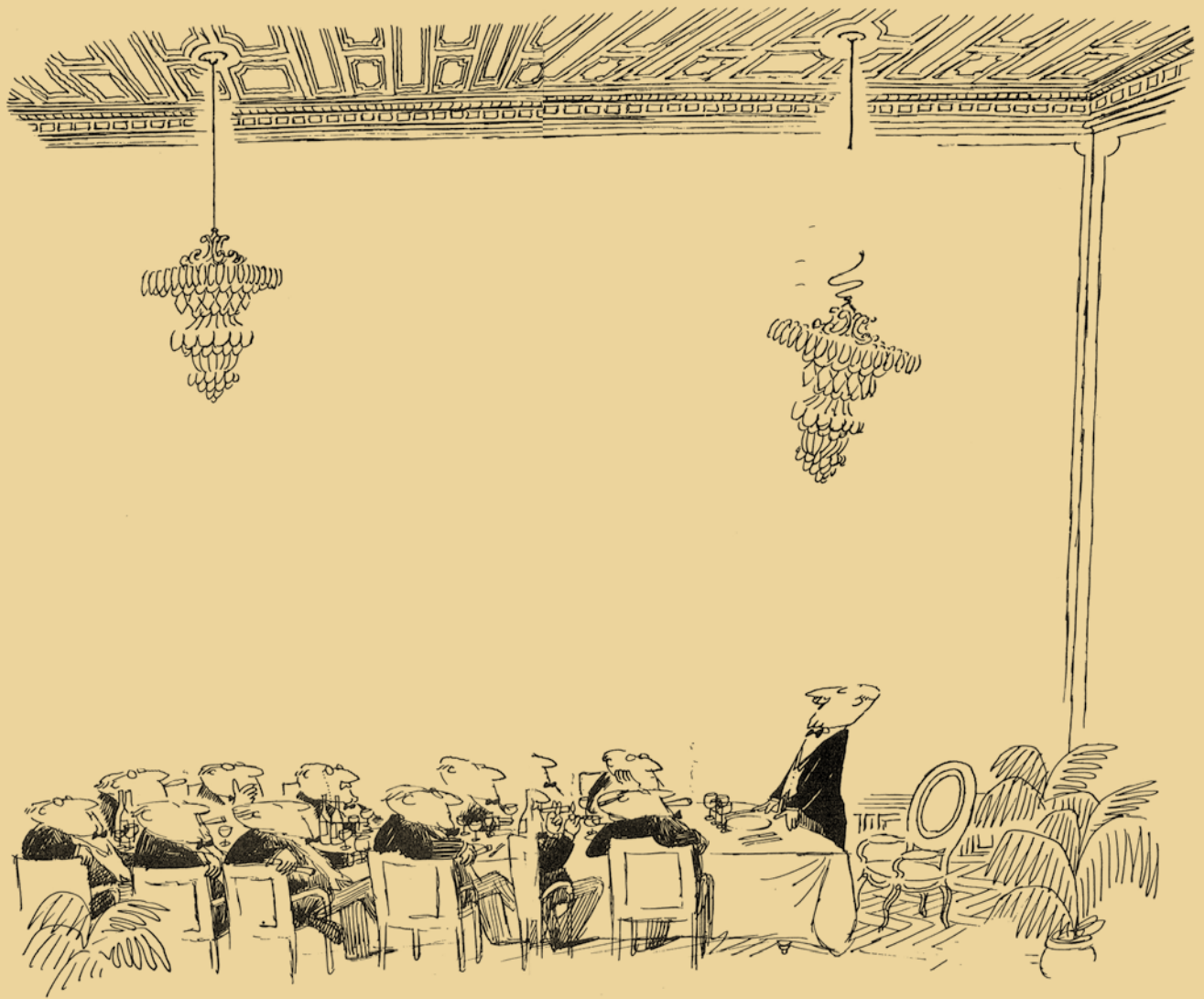
مترجم: مهتاب وکیل

فلسفه‌ای از زندگی را به تصویر کشیده و سندی از آداب و رسوم زمان ما برای نسل‌های آینده برجا گذاشته است. زندگی مخوف یک طنزپرداز از زبان سمیه یک طراح طنزپرداز چگونه زندگی می‌کند و این حرفه عجیب که با کمال تأسف هیچ‌وقت جدی گرفته نمی‌شود، چیست؟ در پاسخ به این سوالات، ژان ژاک سمیه «Jean Jaques Sempe» زندگی روزانه‌اش را نوشته و نقاشی کرده است. یک پسر دارم، یک زن خانه‌دار، یک ماشین و چهار دوست (نه)، سه تا، یکی از آنها که اتفاقاً طراح هم است، هفته پیش یکی از ایده‌های مرا بلند کرد! کار من خیلی ساده است، می‌شود گفت فوق‌العاده ساده است، کافی است یک ایده بامزه پیدا کنی و آن را با یک طراحی عالی اجرا نمایی. وقتی این مرحله انجام شد، باید این طرح را به روزنامه‌ای ببری تا آن را برای چاپ بپذیرد. بعد برمی‌گردی خانه و دنبال یک ایده دیگر می‌گردی تا اجرایش کنی و این است آن چرخه جهنمی! البته امتیاز این حرفه این است که می‌توانی در خانه خودت کار کنی. ساعت ۸/۵ از خواب بیدار می‌شوم و ساعت ۹ پشت میز طراحی‌ام نشسته‌ام. یک سیکار روشن می‌کنم و دنبال سوژه می‌گردم (مشکل‌ترین مرحله در طراحی طنز، پیدا کردن سوژه است). به محض اینکه یکی پیدا کردم، زخم را صدا می‌زنم. او با شتاب می‌آید و طرح اولیه را نگاه می‌کند و نظرش را می‌دهد و دوباره می‌رود دنبال کارش. اگر واکنش همسر قانع‌کننده نبود، به یکی از چهار دوستم تلفن می‌زنم. (بله، من به هر حال چهار دوست دارم، چون در حقیقت ایده او، همکارم)، آن‌قدرها هم به آن چه من قبلاً اجرا کرده بودم، شباهت نداشت؛ هر چند

سمیه که در ۱۹۳۳ در بوردو (Bordeaux) به دنیا آمده، همیشه گذشته‌اش را پنهان کرده و هیچ وقت دوست نداشته درباره فعالیت‌های اولیه‌اش حرفی بزند. اما دوران کار حرفه‌ای‌اش در زمینه کارتون در نشریات معتبر، وقتی آغاز شد که هم‌زمان با گذراندن خدمت سربازی در پاریس، به‌سختی توانست چند تا از طرح‌هایش را در نشریاتی چون «سود اوئست (Sud - Ouest)»، «لوریر» (Le rire)، «نوار ابلان» (Noir et Blanc) و «اسپی پاری» به‌چاپ برساند. از ۱۹۵۷، همکاری منظم سمیه با «پاری مج (MatchParis)»، «پانچ» (Panch) و سپس «اکسپرس (L'express)» و «پیلوت» (Pilote) باعث موفقیت او شد. از ۱۹۶۰، تقریباً هر سال یک آلبوم از کارهایش توسط انتشارات دنوتل Deno به چاپ می‌رسید و در ۱۹۷۴ با همکاری رنه گوسینی (Ren Goscinny) مجموعه «تیکلا کوچولو» را در ۵ جلد کار کرد. او به‌طور منظم در کشورهای مختلفی نمایشگاه برپا کرده و مجموعه کارهایش تاکنون به چندین زبان ترجمه شده‌اند. القاب فراوانی به سمیه نسبت داده شده است: غیب‌گوی قرن بیستم، مدعی‌العلوم، اخلاق‌گرا و یا عنصر مخرب. کسی که بتواند از چشمان شرور او، افکار واقعی‌اش را کشف کند باید خیلی مکار باشد. خودش می‌گوید: «سمیه طنزپرداز است چون به این کار نیاز دارد و این از روی الزام است یا شاید بیش‌تر از روی مقاومت». به هر ترتیب، ایده‌های ساده و تاثیرگذار او نتیجه سال‌ها کار زیرزمینی خراب‌کارانه است! شاید سمیه بی‌آنکه خودش بخواهد



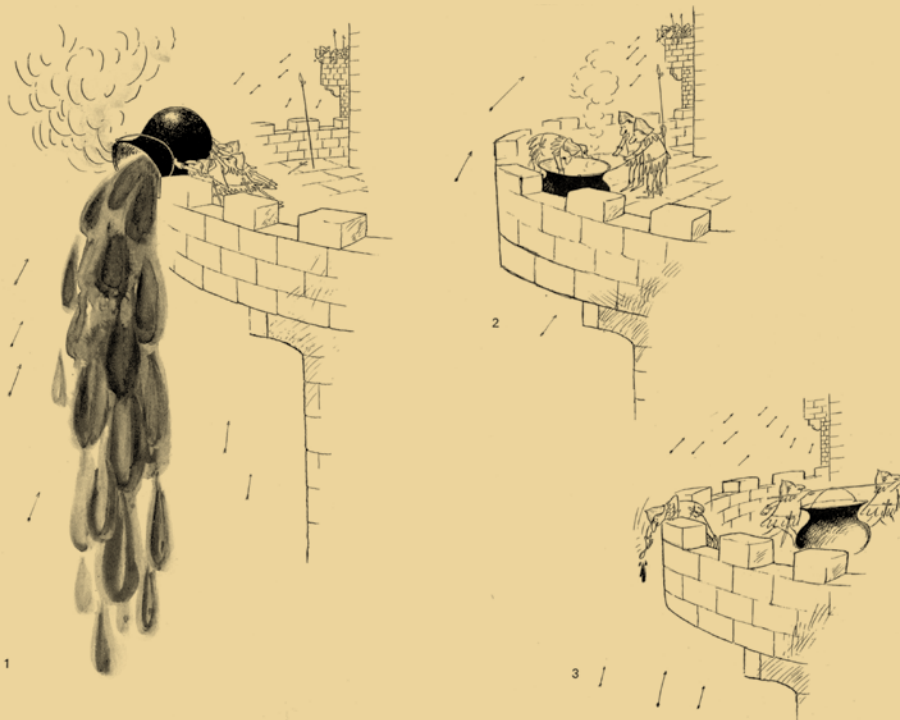




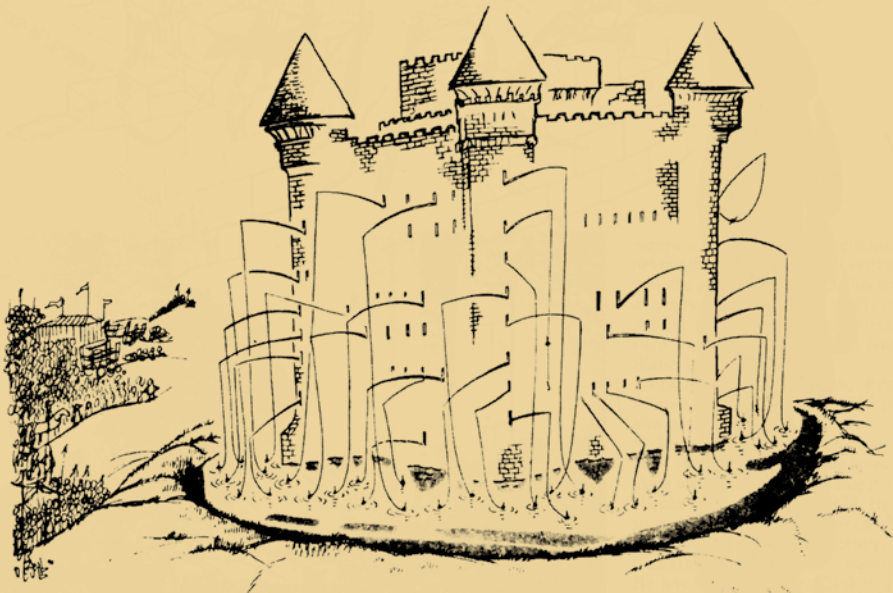
— Je serai bref..

که اقلا می توانست روی سوژه‌ای که من ۵ سال پیش برای اولین بار خودم به تنهایی خلق کرده بودم کار نکنم، یعنی سوژه جزیره‌های دورافتاده. وقتی بالاخره توانستم یکی از آن‌ها را گیر بیاورم، طرحم را برایش تعریف می‌کنم. بعد او هم فکر خودش را با من در میان می‌گذارد که مثلاً به نظرش عالی می‌آید؛ البته به شرطی که از ایده من خوشش آمده باشد. اما اگر او به شاهکار من قاه نخندد، به حکم رفاقت بور می‌شوم و ناچارم به او بگویم که فکرش خیلی پرت بوده است.

بعد شروع می‌کنم به کشیدن (مشکل‌ترین مرحله در طراحی طنز، کشیدن طرح است). اگر تا ظهر هنوز سوژه‌ای پیدا نکرده باشم، به هر حال می‌روم سر میز غذا می‌نشینم؛ چون وظیفه گذراندن یک زندگی واقعی خانوادگی را پذیرفته‌ام. ساعت یک و نیم به اتاق کارم باز می‌گردم. اگر تا ۸ شب هنوز سوژه‌ای پیدا نکرده باشم، یا اگر طراحی‌ام را خراب کرده باشم، به هر حال باز هم سر میز شام برمی‌گردم، هم‌چنان به شوق گذراندن یک زندگی واقعی خانوادگی. از ساعت ۹/۵ دوباره شروع به کار می‌کنم تا ساعت ۲ یا ۳ صبح. حدود همین ساعت‌ها می‌خواهم چون سعی من بر این است که یک زندگی سالم داشته باشم. مردم همیشه در کارهایم با من حرف می‌زنند. بسیار تسلی‌بخش است. وقتی می‌بینم که آن‌ها از سختی این کار باخبرند. حتی گاهی برایم سوژه‌ها و پیشنهادهایی دارند که البته خودپسندی وادارم می‌کند هرگز آن‌ها را اجرا نکنم و این ناامیدشان می‌کند. وقتی به مهمانی می‌روم، اغلب این جمله را می‌شنوم: «شما به عنوان یک طنزپرداز، خیلی غمگین هستید! کمی ما را بخندانید.» خوب من هم می‌گردم و می‌گردم و وقتی آن‌چه را

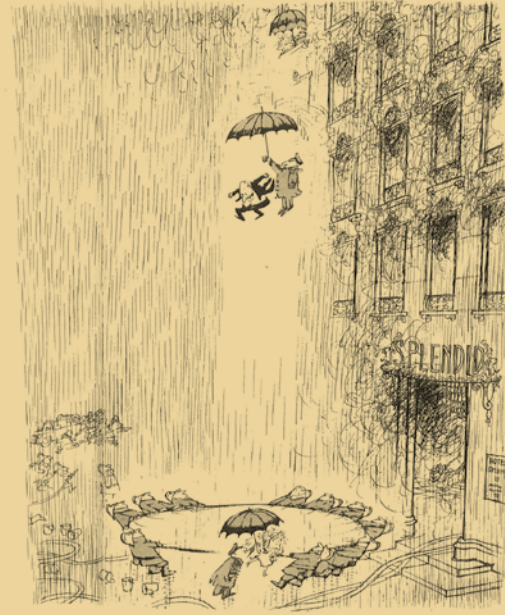


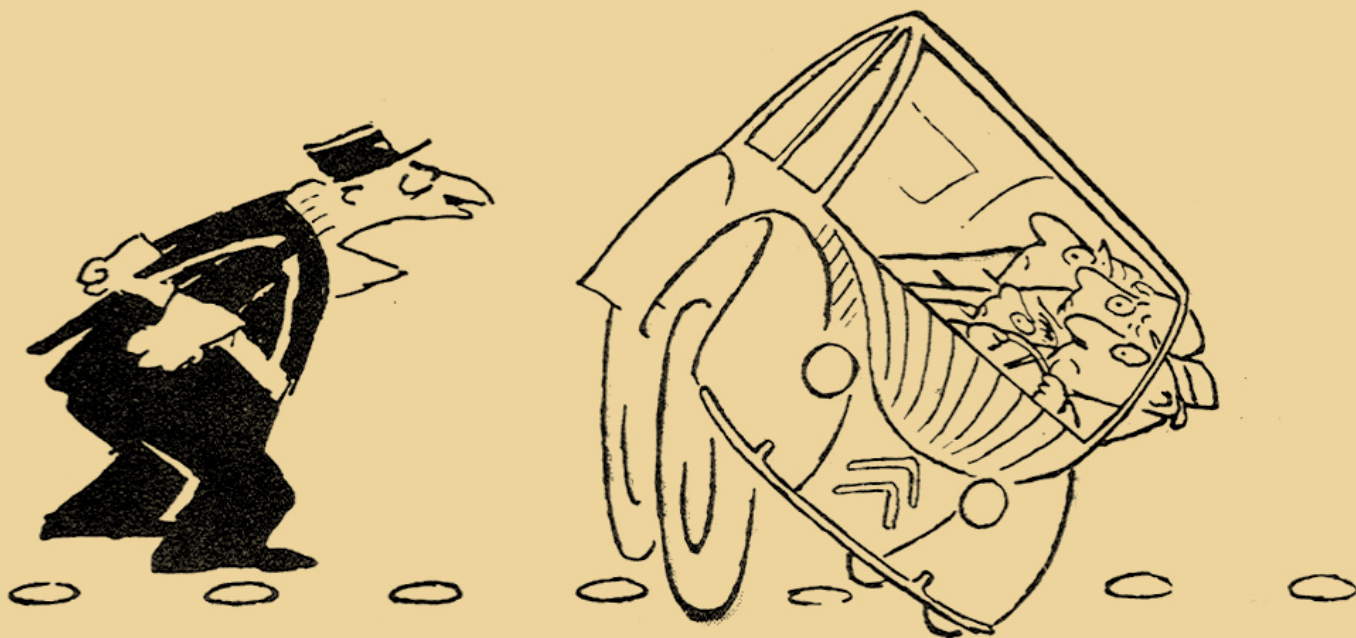




که پیدا کرده‌ام می‌گویم، متوجه می‌شوم بهتر بود به جای آن می‌گفتم: «یک بشقاب دیگر سوپ به من بدهید.» اگر یک برکه جریمه را دریافت کنم، اگر موتور ماشینم منفجر شود، اگر در تمام مدت تعطیلاتم باران بیاید، اگر به دندانپزشکی بروم، اگر کیفم را گم کنم، اگر یک سگ گازم بگیرد، اگر مشکلات مالیاتی پیدا کنم، اگر پسر من به من بی‌احترامی کند، اگر روی کت و شلوار تازه‌ام سس بریزد و اگر کفش‌هایم خیلی برایم تنگ باشد، همیشه یک نفر پیدا می‌شود که به من توصیه کند: «یک طرح از همین بزن»

سه بار در هفته تصمیم می‌گیرم شغلم را عوض کنم. اما بدبختانه همین که به مرحله‌ای می‌رسم که می‌خواهم تصمیمم را به اطرافیانم اعلام کنم، یک سوژه تازه به ذهنم می‌رسد و به این ترتیب، همه چیز دوباره به جریان می‌افتد. ●





# SEMPE

Sempe was born in 1932, Bordeaux. He never talks about his past. Coincident with the army duty, he began his career as a cartoonist in Paris. He finally could publish a few cartoons in magazines such as "SudOuest, Le Rie, Noir ET Blanc, Ici Paris and...

Working at ParisMatch, Punch, l'express, and Pilot since 1957 made him successful.

He has published a collection every year since 1960 Denoel publishing house and along with Rene Goscinny created "Little Nicola" in 5 volumes in 1974. He had some exhibitions in different countries regularly and his collections are translated to other languages. He has few nicknames: 20th century foreteller, Public Prosecutor, Moralist or Saboteur. One must be smart to guess Sempe's real mind through his naughty eyes. He declares: "Sempe is a mocker, because he needs doing it. And it can be physically or as a resistance." Meanwhile his simple and effective ideas come from a long experience of undercover life.

The Terrible Life of a Mocker Due to Sempe

How does a comic designer live? How

is this strange job that never is taken seriously?

JeanJaqus Sempe has answered these questions. He has written and drowns his daily life.

My work is simple, very simple. It's enough to find a funny idea and draw it well. Then you should give it to a newspaper to publish. You would come back home and quest for a new idea again. And this is the hell cycle! But the best point of this job is that you can work at your own home.

I wake up at 8:30, and begin working at 9. I smoke and try to find an idea. (This is the hardest part of the job). As soon as I find one, I'll call my wife. She'll see that and let me know about her idea, and then she'll go again. If she doesn't have an acceptable opinion, I'll call on of my friends. When I can finally find one of them, I'll describe my idea. Then he is going to tell me about his own idea. I'll let him know that his idea is great only if he said such a thing tome. Bu when he laughs at my idea, I'll tell him hat his was very bad, because I'm his real friend. Then I begin to draw that is the hardest step in this task. If I couldn't find any idea, I would

eat lunch. Because I want to do my best in family life. At 1:30 p.m. I'll go to work again. Then at 8 I would eat my dinner, if I couldn't find any new idea. I am going to work in at 9 and continue it to 3 o'clock. Ten I'll sleep because I want to have a fresh life. People talk about my work and it's consoling to see that they now about its difficulty. Sometimes they have some ideas that I never use because of my selfishness and if it will make them disappointed.

When I go to a party, I often hear "As a cartoonist, you seem so sad Please make us happy." Then I'll find something to say it, after that I wish I said, "Please give me some more soup."If a police fines me, or my car engine explores, or it rains all the weekend, or I go to dentist, or I lose my money, or a dog bites me, or my son becomes rude to me, or I make dirty my new coat, with ketchup, or my shoes become very tight, always some one will suggest, "draw it!" Three times a week I decide to change my work. But unfortunately I would find a new idea just when I finally want to announce my decision to others. So everything begins again. ●





نگاهی به مجموعه آثار توکا نیستانی  
سید مسعود شجاعی طباطبایی

# دو، با مانع

نگاه مجددی به کتاب دو با مانع توکا نیستانی بهانه‌ی مجددی شد تا از ظرافت‌های اندیشه و مهارت او در سکوتستان سرشار از کلامش پرده برداریم.

توکا نیستانی فرزند منوچهر نیستانی، شاعر ادیب، در سال ۱۳۳۹ در شهرستان شاهرود متولد شده و در فارغ‌التحصیل رشته معماری است. وی در ۱۳۵۸ وارد عرصه مطبوعات شد و از آن پس نگاه مخاطبانش را به مهمانی طرح‌هایش فراخوانده است. ۲۵۶ طرح سرجمع طرح‌های توکا در این کتاب است که عمری همسفر لحظات گذران زندگی او بوده‌اند.

طرح‌های سیاه و سفید توکا همچون قطرات بارانی است که به گل‌های تشنه اصابت می‌کند و شبنم امید را به گلبرگ‌های آن می‌پراکند. توکا در طرح‌هایش به دنبال حرف‌های نگفته است یا حرف‌هایی که گفته شده‌اند ولی گوش شنوایی نیافته‌اند. طرح‌های لبریز از سکوت و مخاطب را سراپا گوش می‌کند. توکا همیشه به دنبال چشمی است که بتواند محل خالی پرند محبوس در آسمان را ببیند و دردهای نهفته را در آینه وقایع روزمره نشان دهد. نوع کار توکا غالباً کارتون مطبوعاتی است که خصلت پیام آور آن، نشان دادن لایه‌های درونی آدم‌ها است. توکا نیستانی کارتونیستی است که کارتون مطبوعاتی را خوب درک کرده و وقایع اطرافش را به طور زنده‌ای تفسیر

می‌کند.

آثار نیستانی غالباً ضد دروغ و نیرنگ‌اند. در یکی از طرح‌های او، عده‌ای نشان داده شده‌اند که پینوکیو را دوره کرده و هر کدام به گونه‌ای مشغول نصیحت کردن اویند. اما همه آن‌ها، همچون پینوکیو در داستان اصلی به علت دروغ‌گویی دماغشان دراز شده است. تنها پینوکیو است که بر خلاف معمول، معصومان به دماغ عادی خود ناظر این صحنه است. توکا نیستانی هنرمندی است که در عرصه کارتون، هیچ گاه به دنبال قهقهه خوش خنده‌ها نرفته است، چرا که احساس ظریف او از غلتیدن در ورطه ابتذال در هراس است. در عین حال، آثارش چندان پیچیده و یا معماگونه ارائه نمی‌شوند. شاید بتوان طرح‌های نیستانی را در بین این دو قلمرو جای داد. عنصر طنز در آثار او نه آن‌چنان پیداست که بینندگان خود را سرگرم کند، و نه آن قدر آشکار که تنها در سطح جاری باشد. خنده بر آثار او خنده‌ای عمیق و در اغلب اوقات تلخندی است که با کمی تانی رازش بر همگان آشکار می‌شود.

کارتون توکا در فراغت خلق نمی‌شوند، کارش تعهدی هنرمندانه و آمیخته با شتاب است که با فراغت و آسایش سر سازگاری ندارند. توکا با آرایش همچون آینه‌ای جادویی عمل می‌کند که در مقابل همه یک تنه ایستاده است تا ناگهان نقاب از چهره

واقعی آن‌ها براندازد.

توده انبوه ضربدرهای سیاه با ترکیب‌های متفاوت خطوط در نهایت آثار او را دارای کیفیت ویژه‌ای می‌کند که سرخوشی تصورناپذیری را برای مخاطبانش رقم می‌زند. نوعی احساس خاص در پس این طرح‌ها وجود دارد که کارهای توکا را دوست‌داشتنی و سبک او را متمایز می‌کند. طرح‌های نیستانی بازتاب روحیه‌ای حساس در برابر واقعیات اجتماعی‌اند. نیستانی دلسوزانه به این وقایع واکنش نشان می‌دهد. به همین جهت، آثار او در مرتبه خاصی قرار دارند. اشاره‌های وی در طنزهایش نشانه‌ی آگاهی او از ادبیات و زمینه‌های متنوع دیگری است که در نهایت به طرح‌هایش قوت خاصی می‌بخشد. طرح‌های توکا غالباً پیام خود را بسیار سریع منتقل می‌کنند. اما نباید آنها را خیلی زود تبیین و تفسیر کرد. آثار نیستانی می‌تواند جنبه‌های دیگری از موضوعات طرح‌هایش را برای ما آشکار سازد.

این مجموعه کاریکاتور دستاورد یک دوره طولانی کار و زندگی نیستانی است که دست‌های نگاه شما را به خود می‌طلبد. مطمئناً آثار این کتاب چشمان شما را به تحسین وامی‌دارد. در این دنیای سرشار از ظرافت و طنز، اقامت زیبایی را همراه با شکوفه‌های تأمل برایتان آرزو می‌کنم. ●

Delicacy of his thought and his skill in his land of silence but full of words. Touka Neyestani is the son of Manoucher Neyestani the literary poet was born in Shahroud in 1960. He is a graduate in architecture. He entered the press activities in 1979 and from then on has invited the glances of his audience to the party of his designs. There are 256 designs in this book, which has been the companion of the moments of his life. His black and white designs are like the raindrops that hit thirsty. Flowers and splashes dew of hope to their petals. In his designs Touka is in search of untold words or words that have been told but had not found any audience. His full of silence designs makes his audience head to nail ears.

Touka is always in the search of an eye that could see the empty place of the imprisoned bird in the sky, and eye that shows the hidden pains in the mirror of the daily events. His type of works is journalistic cartoon whose messenger's character is to show the internal layers of the people. Touka Neyestani is a cartoonist that has well understood journalistic cartoons and interprets the events surrounding his lively. Neyestani's works usually opposes lies

and deception. In one of his design we see a group of people who have surrounded Pinocchio and every one of them is telling Pinocchio wise words to direct him toward righteousness. But all of those guys have long nose because they have lied in their lives like Pinocchio. Among them only Pinocchio innocently with a regular nose is listening to them. Touka is an artist that has never gone after the laughter of those fancy audiences his delicate feelings in fearful of sliding in the hell of the clichés and intellectual nonsense, meanwhile his works are not rendered with complexity nor they are puzzle like. May be we could place his designs between these two territories. The element of satire in his works is neither so evident to mislead his audience nor it is so revealed that it only be current at the surface. Laughter on his works is a deep laughter and often is a bitter laughter whose secret will be revealed to all with a little reservation and thinking.

Touka's cartoons are not created in the leisure time, his works in mingled with an artistic commitment and acceleration, which do not have accordance and dose not compromise with ease and leisure. Touka with his works acts like a magic mir-

ror, which stands alone facing the crowd to suddenly unmask their real face. The mass of black crosses with different compositions of line ultimately makes his works qualitatively good looking which gives an unimaginable gaiety to the audience. There is a special feeling behind these designs, which makes Touka's works loveable and distinguishes his style.

Neyestani's designs are the reflection of a sensitive spirit against social realities. Neyestani reacts carefully to these realities therefore his works are at a special level. Touka's pointing out to realities in his satire is a sign of his knowledge of literature and other various backgrounds, which ultimately gives a special force to his designs. Touka's designs always transmit their message rapidly. But we should not interpret them so fast. Neyestani's works can reveal other aspects of the subjects of his designs.

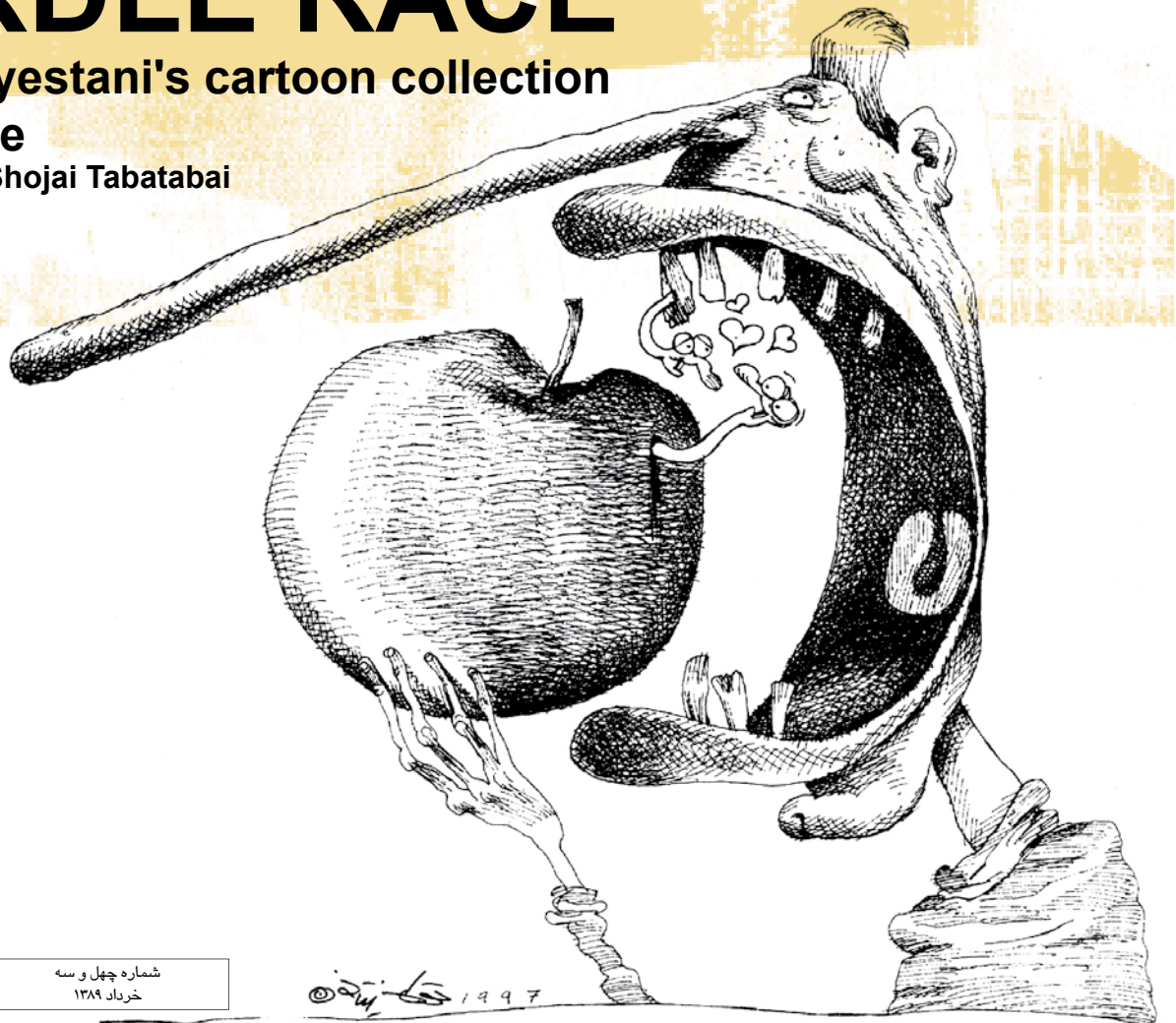
This cartoon collection is the achievement of a long period of his life and work. It searches the hands of your sight. I am sure the works in this book will make you an admire of him in this world of delicacy and satire. I wish you a beautiful stay along with the blossoms of thought and tolerance. ●

# HURDLE RACE

## Touka Neyestani's cartoon collection

### at a glance

by: Massoud Shojai Tabatabai



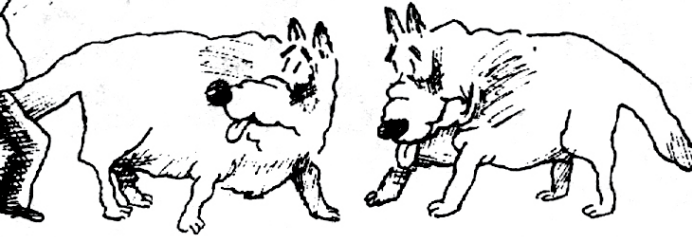
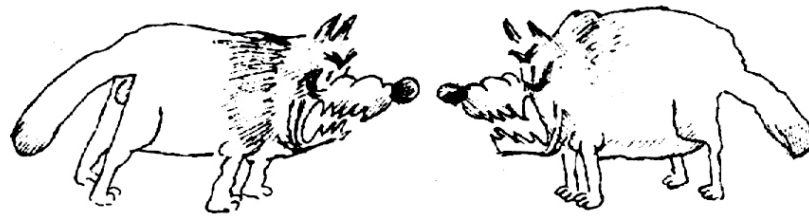








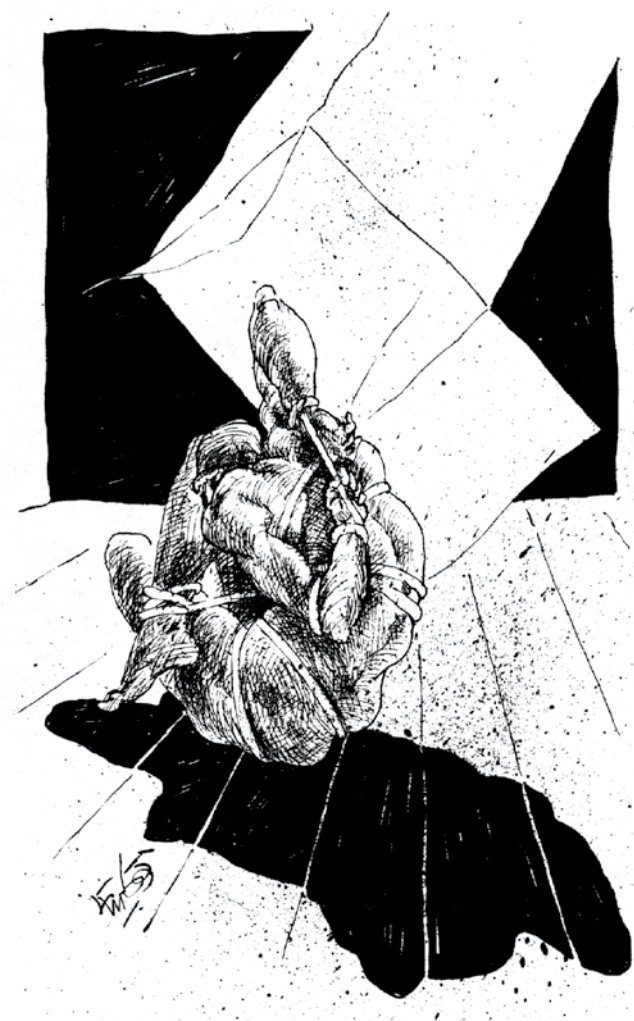
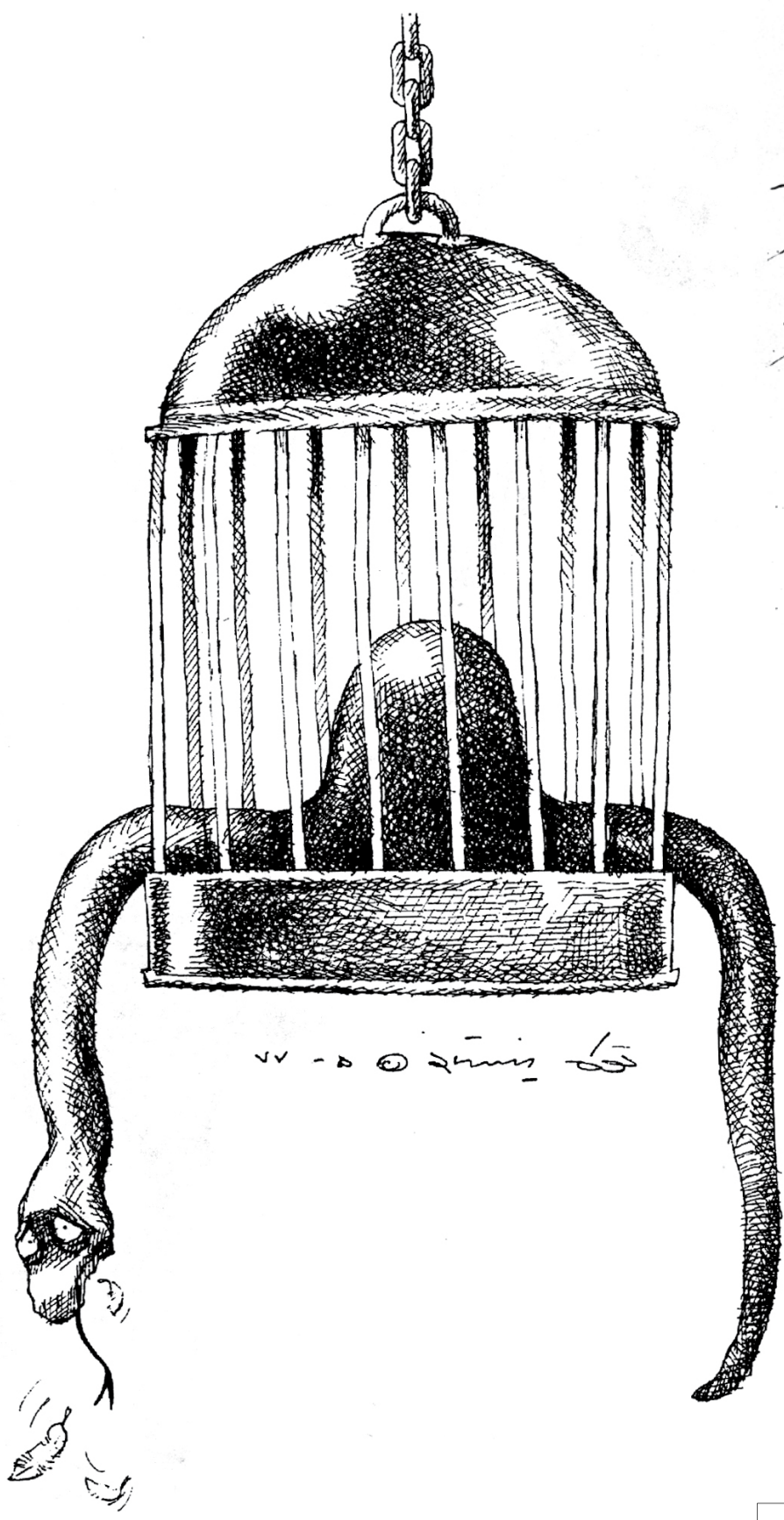




© ۱۳۸۹











مجله «مد» (Mad) از روزهای آغازین انتشارش همیشه به عنوان یک مرجع متناسب با زمان خود مطرح بوده که بخش بزرگی از این ویژگی را مدیون جلدهایش است. به همین دلیل است که جلد این نشریه به اهمیت ویژه‌ای نسبت به صفحات داخلی برخوردار است.

۱۲ بار در سال، هیئت تحریریه مجله دور هم جمع می‌شوند تا برای طرح جلد شماره آینده بحث و تبادل نظر کنند و به این نتیجه برسند که این بار چه کسی و چه چیزی مرکز توجه و تمرکز بر روی جلد نشریه باشد. این جلسات گاهی از پنج دقیقه تا پنج روز به طول می‌انجامد.

برای طراحی و اجرای یک جلد ویژه قانون مشخصی وجود ندارد. این کار بر اساس بیان پیشنهادها انجام می‌پذیرد. گاه تصمیماتی گرفته می‌شود ولی بعداً همگی برعکس عمل می‌کنند.

جان فیکارا (John Ficarra) دستیار سردبیر می‌گوید: «ما همگی بر سر یک گوریل هشتصد پوندی توافق می‌کنیم و طرح‌های اولیه در ابعاد کوچک، معمولاً توسط نیک مگ‌لین (Nick Meglin) زده می‌شود و سام ویویانو (Sam Viviano)، مدیر هنری، نیز آن‌ها را با جلوه‌های گرافیکی در هم می‌آمیزد. اما یک‌بار همه دور ریخته می‌شوند و طرح‌های جدیدی ارائه می‌شود. سپس این طرح‌ها گسترش می‌یابند، در آن‌ها تجدیدنظر می‌شود، تجزیه و تحلیل می‌گردند، حذف و اضافه می‌شوند، کلی به آن‌ها می‌خندیم و سرانجام تأیید می‌شوند. در پایان، گوریل در قفس می‌افتد و گروه تازه می‌تواند به پر کردن صفحه داخل نشریه فکر کند.

در آغاز، جلد مجله کمیک «مد» به مانند مطالب داخل آن همگی

زائیده تفکرات یک نفر به نام «هاروی کورتزمان» (Harvery Kurtzman) هم به عنوان نویسنده و هم به عنوان طراح بوده و او بود که در مورد محتوای مجله و گرافیک آن تصمیم می‌گرفت. به این ترتیب طراحی جلد‌های ۱۰ شماره اول «مد» به طور مستقیم با نظارت کامل وی انجام شد و حتی او شماره مجله را تصویرسازی کرد.

در یازدهمین شماره، کورتزمان شیوه گذشته طراحی جلد را به کلی کنار گذاشت و به خلق روش نوینی در طراحی جلد روی آورد که در دنیای کتاب‌های کمیک منحصر به فرد بود. از آن پس، هر شماره مجله «مد» به روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها در میان یک دو جین از نشریات کمیک خودنمایی می‌کرد و به سرعت دیده می‌شد. پس از چند سال کار مداوم، کورتزمان که شیفته کمیک بود و همیشه به دنبال فضاهای جدیدتری می‌گشت، احساس کرد تا آنجا که می‌توانسته برای مجله «مد» کار کرده و حالا دیگر خسته شد است. به علاوه او مدت‌ها بود که به یک پیشنهاد کاری که از طرف نشریه «پاگینت» (Pageant) بود، فکر می‌کرد و تقریباً تصمیم به ترک «مد» داشت. بیل گینس (Bill Gaines)، ناشر کمیک‌های EC، که نمی‌خواست کورتزمان را از دست بدهد، پیشنهادی به او کرد که می‌دانست وی آن را رد نخواهد کرد. او به کورتزمان گفت: «هاروی، تو یک‌بار به من گفتی که می‌خواهی مد را به یک نشریه دائمی تبدیل کنی، بسیار خوب، بمان و این کار را بکن.» کورتزمان موافقت کرد و گینس آسوده خاطر شد، اما کورتزمان پس از انتشار پنج شماره از مجله، پس از یک جنگ قدرت با گینس «مد» را ترک گفت و به نشریه تازه تاسیس «ترامپ»

(Tramp) پیوست. اما از بخت بد کورتزمان از این نشریه تنها ۲ شماره منتشر گردید.

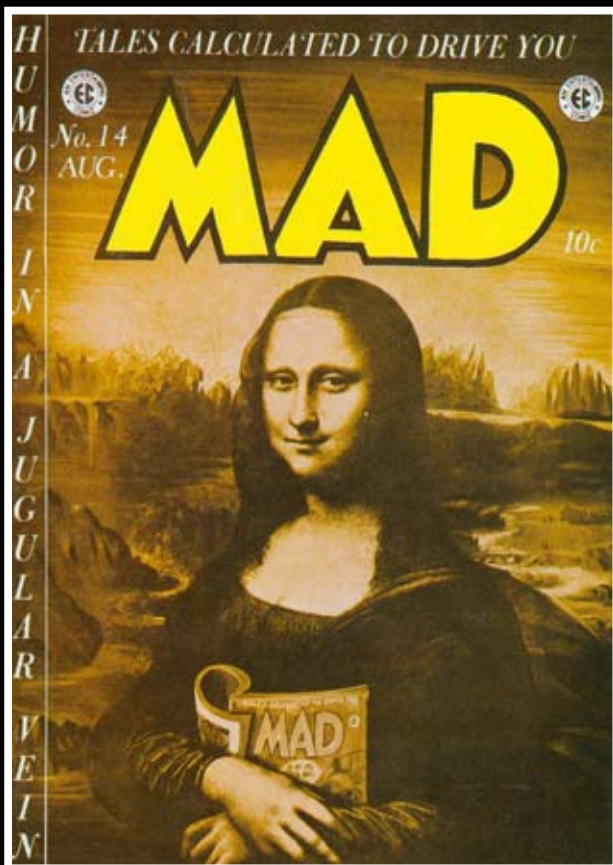
سردبیر جدید مجله «مد»، «آل فلداشتاین» (Alfeldstein) که ذاتاً یک طنزنویس نبود، احساس کرد که مجله خیلی یک‌نواخت و یک‌نفره شده است. به همین دلیل در اولین اقدام یک شخصیت تازه برای مجله طراحی کرد. نام آلفرد ای نیومان (Alfred E. Neuman) مانند بسیاری از عبارات بی‌معنی دیگر مدت‌ها بود که در نشریه بر سر زبان‌ها بود. فلداشتاین و گروهش این اسم را برداشتند و با صورتک یک پسر بچه کودن که شکافی میان دندان‌هایش بود و نیشخندی به لب داشت، ترکیب کردند و به این ترتیب آلفرد ای نیومان، نماد جدید مجله «مد» خلق شد.

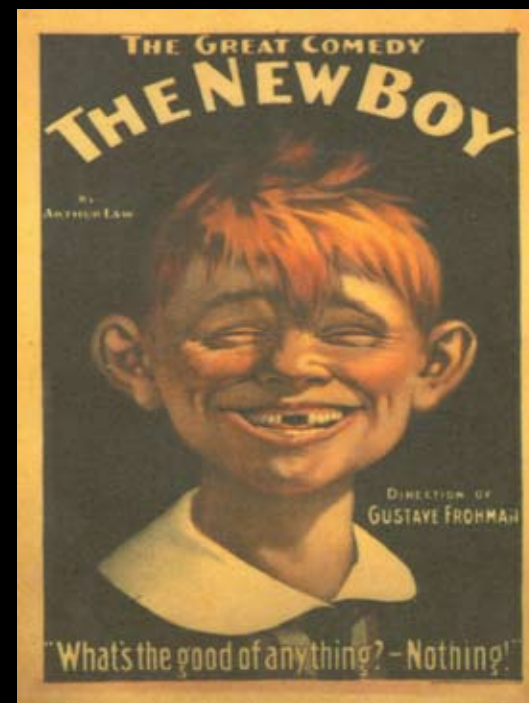
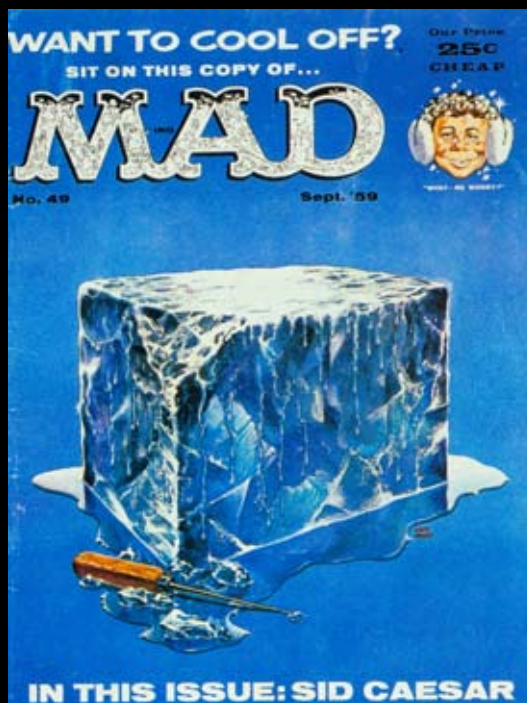
تحریریه «مد» به زودی دریافتند که این شخصیت (آلفرد) در هر قالبی می‌تواند قرار بگیرد؛ روی قله کوه «راشمور»، در نقش یک آتش‌نشان و حتی به عنوان یک سوارکار بی‌کله!

برای افزایش محبوبیت آلفرد، او را بر روی جلد نشریه شماره ۳۵ که مصادف با پنجمین سالگرد «مد» بود، در کنار یکی از مجریان تبلیغاتی نشان‌دند. ظاهر شدن آلفرد در چنین موقعیتی نقش او را به عنوان یک شخصیت ملی تثبیت کرد و این نکته را ثابت نمود که یک کودن گمنام می‌تواند یک کودن سرشناس شود.

پس از گذشت یک دهه، آلفرد در نقش‌های زیادی ظاهر شد. او در هر شماره مجله «مد» می‌بایست در وضعیت تازه و غیرمنتظره‌ای قرار می‌گرفت. اکنون با گذشت ۵۰ سال، مجله «مد» همان لحن شوخ و طنزآمیز و کم‌تر ستیزه‌جوی خود را حفظ کرده و سیر تحول جلد‌های آن اکنون به صورت یک تاریخچه مصور درآمده است. ●

# گول ظاهر هیچ چیز را نخورید بجز این یک مورد!





## Never Judge a Book by its Cover MAD

Since its creation in 1952, MAD Magazine has been a cultural touchstone, barometer of the times. And nowhere is this more evident than on its covers. This is why more importance is placed on the cover than on any other aspect of the magazine. Twelve times a year, MAD's editorial staff gathers for a cover conference, the purpose of which is to decide who or what will adorn the next issue. These conferences can last anywhere from five minutes to five days.

In the search for the Perfect Cover, there are no set rules. Suggestions are made. Positions are taken, and then reversed. "We become preoccupied with an eighthundredpound gorilla," says coeditor John Ficarra. Sketches are created (usually thumb nailed first by coeditor Nick Meglin and then fleshed out graphically by art director Sam Viviano), old sketches are thrown out and new ones are drawn up, improved, revised, dissected, analyzed, ridiculed, flopped, cut and pasted, laughed at, and eventually, approved.

In the end, the gorilla is caged and the staff cans return to the task offering the fortyeight pages inside the magazine. The cover of the comic books MAD, like the material within, was the oneman domain of writer/artist/editor Harvey Kurtzman. He alone determined the content and graphic end product, leaving little to chance. Of the first covers, he devised all the cover gags and illustrated eight of them himself. Starting with MAD # 11 Kurtzman discarded the original format and design he created and devised a series of even more groundbreaking covers unique in the comic book world. On newsstands

each one stood out among the dozens of other comics and magazines being produced. But after a few years Kurtzman was restless in comics and was looking for new challenges. He felt he had taken the early MAD as far as it could go and was experiencing feelings of burnout. Also, he had been entertaining a job offer from Pageant, a successful "slick" magazine, and was thinking of leaving.

Not wanting to lose Kurtzman, EC Comics publisher, Bill Gaines, made an offer he was certain his editor could not refuse: "Harvey, you once told me you wanted to turn MAD into a slick. Say and I'll let you do it." for Kurtzman agreed and Gaines felt relieved. Because of pressures from a Senate subcommittee hearing to investigate the cause of juvenile delinquency, combined with the repressive, newly formed Comics Code, Gaines had been forced to abandon his horror and crime titles. By transforming MAD into a twentyfivecent (cheap!) blackandwhite magazine, and to keep Kurtzman in the fold, MAD would not be bound (and gagged) by the restrictions of the Code.

He edited five issues and then, after a power struggle with Gaines, departed to edit Trump for Playboy publisher Hufe Hefner. (Unfortunately for Kurtzman, Trump lasted only two issues). MAD's new editor, Al Feldstein, was no essentially a humor writer, and favored a more balanced approach to satire, feeling that there had been too much of one kind Kurtzman's. "I thought there were signs of MAD going off on a tangent, and I tried to stop it," Feldstein said years later.

The new regime's first major innovation

was to give the magazine a persona. The name Alfred E. Neuman, like many other "nonsense" monikers, had been floating around the EC office for years. So had the face of the gap toothed "What me Worry?" idiot kid. Feldstein and his staff associate Editors Nick Meglin and Jerry DeFucio, and art directors John Putnam and LeBrenner paid he name and he grinning face and made Alfred E. Neuman MAD's symbol. It proved a masterstroke.

The staff found that Alfred could fit in most anywhere on Mount Rushmore (T #), in a fireworks display (T #), even as a headless horseman (T #). To beef up his celebrity status, he was seated with a host of advertising icons on MAD's 20th anniversary issue (T #). Being seen in such company cemented his role as a national figure, proven that an imbecilic nobody could become an imbecilic somebody. Even when a chimpanzee painted a cover (T #), Alfred was present, his face adjoining the MAD logo. And always it was Norman Mingo's rendering the classic Neuman prototype from issue T # that was referenced, even when another artist was assigned a cover.

Nearly a decade passed, and Alfred had been depicted in so many guises and locales that it became more and more of a challenge to portray him in fresh situations. For 20 years, MAD's covers reflected the overall tone of the magazine satirical, sometimes slapstick, but rarely controversial.

Seen in chronological order, the covers of MAD emerge as a kind of pictorial time capsule. ●



# MAD

No. 323 December 1993 Our Price \$1.95 Cheap!



## JURASS-HAS-HAD-IT PARK



# MAD

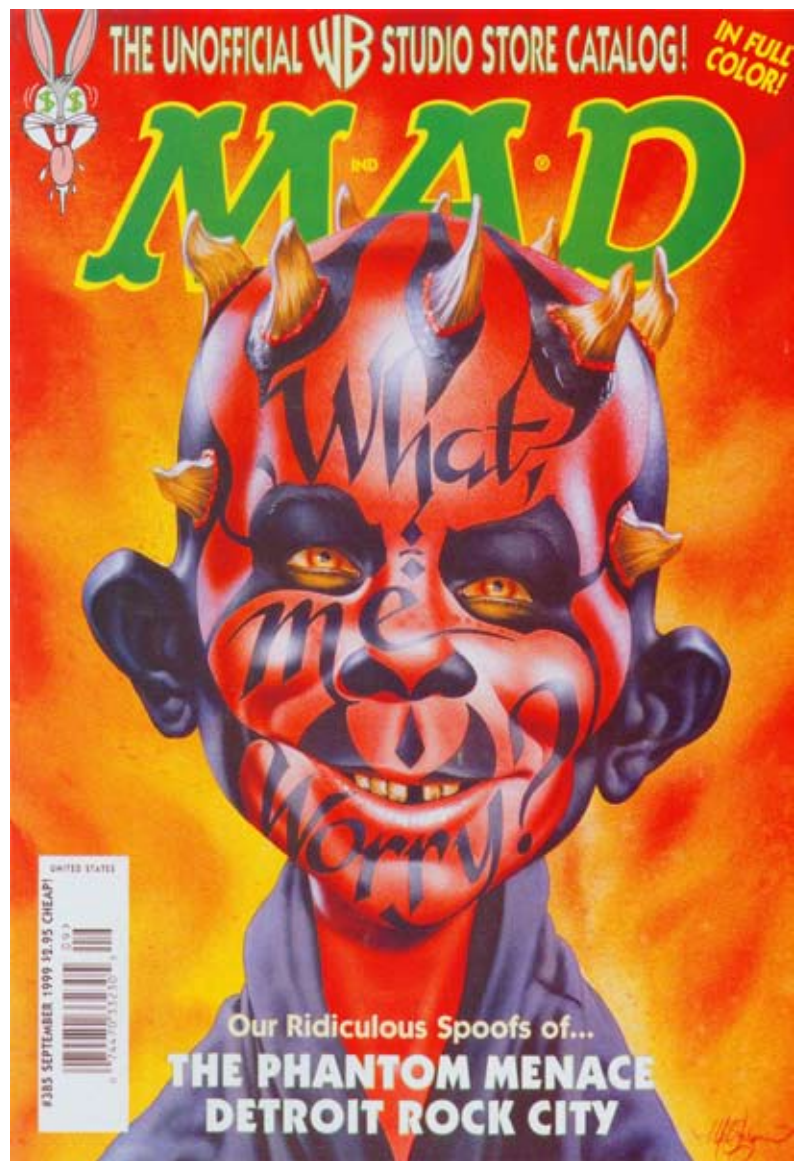
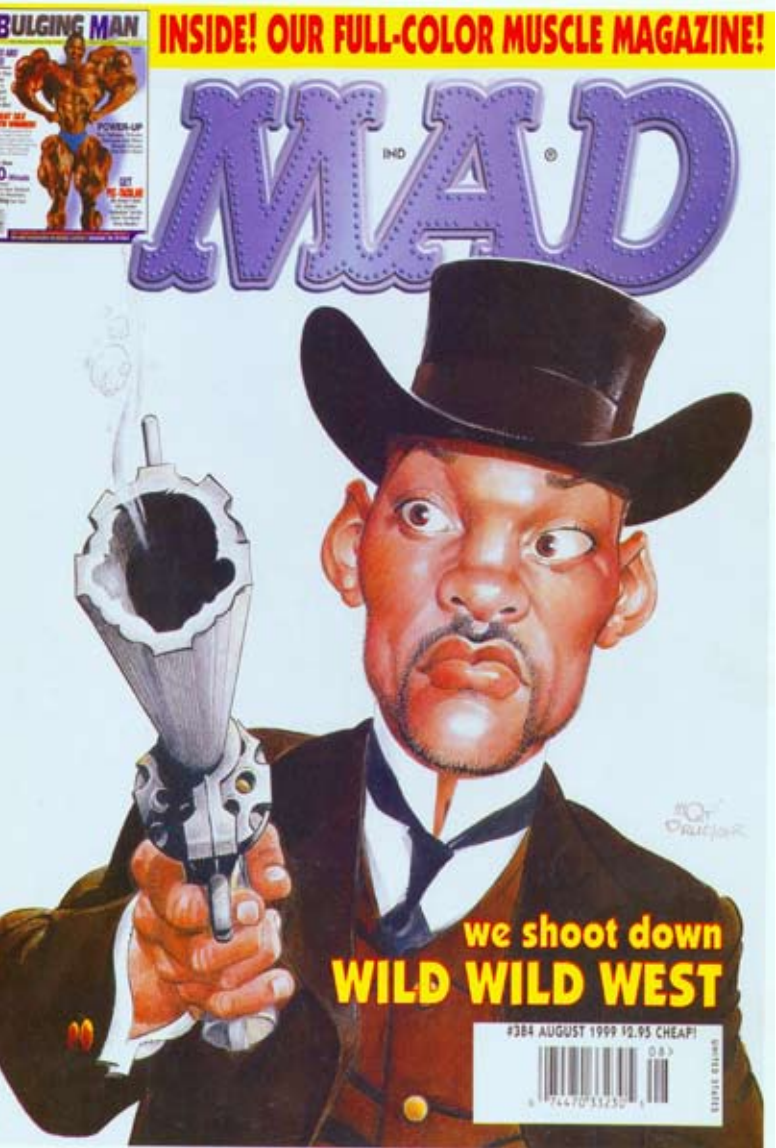
No. 323 December 1993 Our Price \$1.95 Cheap!



## JURASS-HAS-HAD-IT PARK









# کاربیکاتور در کوبا

با بررسی اجمالی طرح‌های طنزآمیز دنیا به این نکته می‌رسیم که کاربیکاتوربست‌ها توانسته‌اند به یک زبان جهانی مشترک برسند. موضوعات آثار این هنرمندان اگرچه متفاوت است، اما به نظر می‌رسد جنس طنز از یک ریشه آب می‌خورد. تبعیض نژادی، بوروکراسی، مسائل اقتصادی و موضوعاتی از این قبیل در کاتالوگ‌ها و نشریات طنز شرق و غرب جهان، از جایگاه واحدی در نوع بیان برخوردارند که با کمی دقت، می‌توان به ویژگی‌هایی که بازتاب ماهیت ملی و بومی‌اند پی برد. برای مثال، در جوامع غربی و مدرن، کاربیکاتوربست‌ها به نحو بسیار واضحی خوشبین هستند و میل به خندیدن را در کوچکترین حادثه و اتفاق به تصویر می‌کشند. در شرق، طنز و هجو در کاربیکاتور شکلی جدی به خود می‌گیرد و طرح‌های نمادین به طرز غریبی پایبند سبک‌های قدیمی‌اند. دغدغه‌های فکری هنرمندان کاربیکاتوربست نیز مفاهیمی فرازمینی پیدا می‌کند. کلا در شرق، طنز همواره با روحيات مردم قرین بوده است.

اما در گوشه‌ای از دنیا، در کوبا هنر کاربیکاتور به دور از تعاریف رایجی که برای هنر شرق و غرب مرسوم است، در عرصه کاربیکاتور معاصر دنیا در چند ساله اخیر از موقعیت ویژه‌ای برخوردار شده است. کوبا کشوری است که تاریخش سرشار از تحولات سیاسی بوده که بعد از انتخاب کمونیسم برای شیوه‌ای جهت حکومت و زندگی و نزدیک شدن به شوروی سابق، کاربیکاتور رنگ و بویی سیاسی به خود می‌گیرد. اما در دوره معاصر، بعد از فروپاشی شوروی، که اصلی‌ترین حامی این کشور بود، به سبب تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی زیاد، دگرگونی‌های بسیاری را در زمینه کاربیکاتور شاهدیم. این دگرگونی‌ها باعث شد که هنرمندان کوبایی به دنبال شیوه بیانی دیگری در ارائه آثارشان باشند. در عین حال، زمینه‌ای برای حضور کاربیکاتوربست‌های این کشور با مهاجرت به کشورهای دیگر و یا با ارسال آثارشان به نشریات و جشنواره‌های بین‌المللی قدرت و مهارت خود را به جهانیان نشان دادند. نکته جالب توجه در بررسی اجمالی این طرح‌ها، نمایانگر این است که هنرمندان کوبایی میل دارند به شیوه و روشی کار کنند که قالبی متمایز از آثار دیگران داشته باشد. در کوبا مهمترین نشریات طنز با عناوین «ددت» Dedete و «لاپانته» La Pante به شکل هفتگی منتشر می‌شود. آلن لوزان Alen Lauzan سردبیر جوان این نشریه می‌گوید: «نشریه ما نمایانگری طنزی سالم است که سبب خنده و ایجاد واکنش می‌شود و تجسم‌کننده حالات درونی چهره‌ها، مردم و واقعیت‌هاست. این نشریه سمی علیه تمامی بیماری‌هایی است که هر چه بیشتر درک و هضم شود، باعث بهبودی بیشتر ما و جامعه خواهد بود.» هنرمندانی چون لوزان Lauzan، آرس Ares، لانگر Langer، سیمانکا Simanca، گاریمچا Garincha، آبلآ Abela، آرتورو Artoro، تامی Tomy، مانوئل Manuel، کمچ Kemch و لازارو Lazaro با ارائه طرح‌هایشان، نسل جدیدی را در عرصه کاربیکاتور معاصر معرفی می‌کنند. در این شماره نگاهی داریم به طرح‌های طنزآمیز برخی از این هنرمندان که با طرح‌های خود، نوع جدیدی از تصاویر طنزآمیز را رقم می‌زنند که در عین خاص بودن حال و هوایی بومی نیز دارند ●



Ares/ Cuba

# CARTOON IN CUBA

In a short review on satirical designs of the world we arrive at this conclusion that caricaturists have been able to reach a common global language. Although the subjects of these artist's works are different, but it seems that the fabric of satire has its root in the same spring, racial discrimination, bureaucracy economic issues and subjects alike in the satirical publications and catalogs in East the West have a united status from the standpoint of expression type. With a little attention we can recognize is significant specificity, the significance that reflects the national and domestic essence.

For example, caricaturists are clearly optimistic in the modern Western societies that are why they draw the tendency to laughter in the slightest event and accidents. Satire in caricatures takes a serious form in the East, and symbolic designs are strongly attacked and dependent to old styles. The subjective and manual worries of caricature artists also find kind of superficial concepts. In general in the East and the West has been close to peoples spirits. But in a corner of the world in Cuba recently the caricature art away from the current definitions which are customary for the art in the East and the West has created a special status for itself in the domain of the global contemporary caricature.

Cuba is a country whose history is full of political developments. After the adoption of communism as a way of life and getting close to Soviet Union caricature takes a political color to itself. But in the contemporary period after the downfall of communism which was Cuba's main supporter and because of economic sanctions and problems we are witnessing great developments in the caricature domain. These developments induced Cuban artists to search for another expression method in the delivery of their works. At the same time another ground for their presence in after countries through migration to other lands or with delivery of their works to international and publications and festivals is being prepared, so they can now exhibit their power and technical skills to the global audience. The most important point in a short review of these design, is suppressive of this fact that the Cuban artists I and to work in different mold structure and method compared to other nationals.

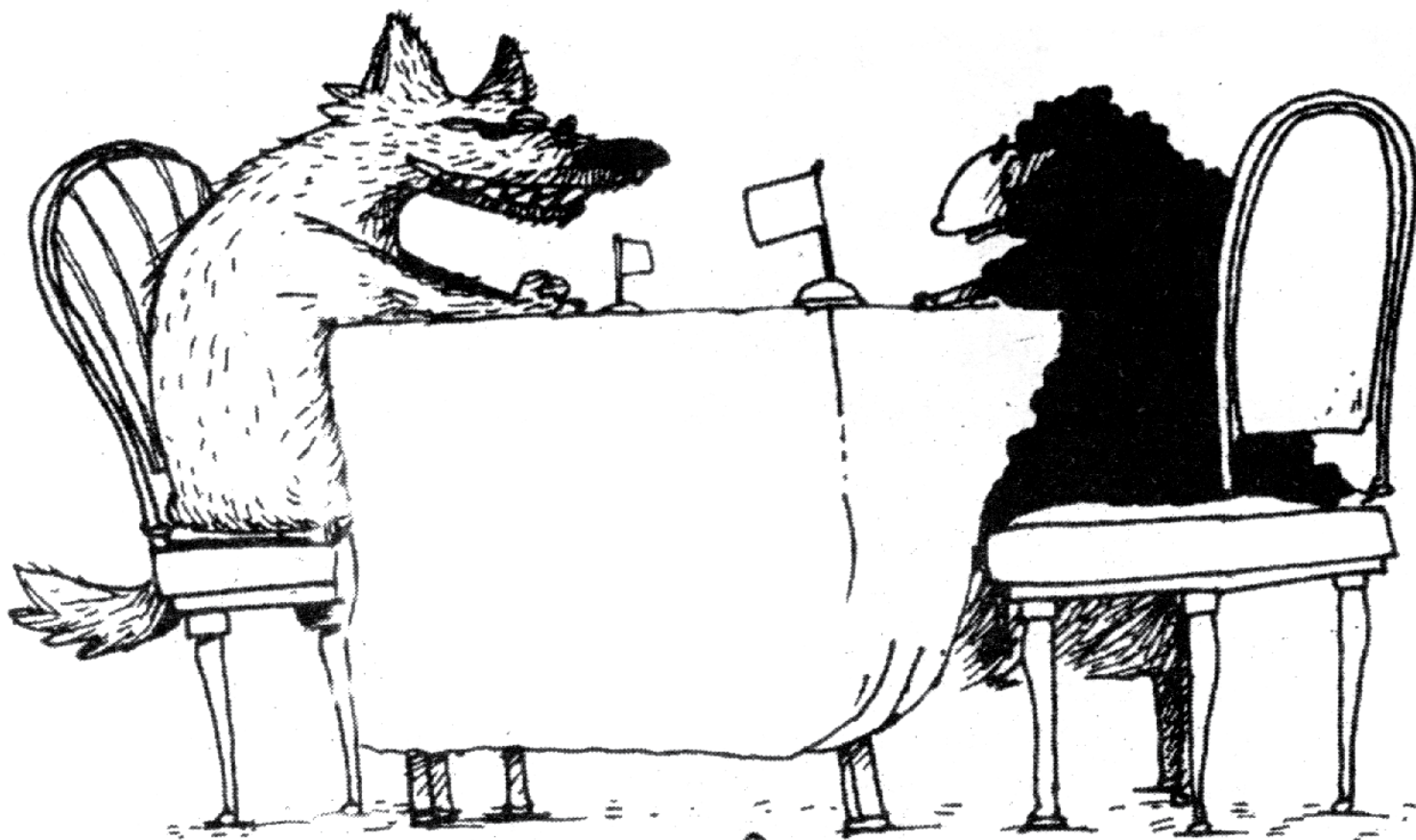
In Cuba the most important satirical publications are published weekly under the titles of Dedete and La Palante. "Ale Lauzan" the chief editor of this publication says: "Our weekly publication is the indicator of a healthy satire which causes laughter and reaction maker, the internal made of faces, people and realities imaginable this publication is a poison against all desires whose understanding and digestion will cause our health and the creation of a healthy society. Artists like Lauzan, Ares, longer, Simanca, Garincha, Abela, Artoro, Tomy, Manuel, Kemch and Lazaro introduce a new generation in the field of the contemporary caricature by setting forth their works. The Iran caricature monthly tries to review. The works of one of these Cuban outstanding, artists in every issue of the magazine. In this issue we have glance at satirical designs of some of these artists who by their work demonstrate a new kind of satirical images which have a indigenous air to it while having been special. ●



LAZ

Bozorgmehr Hosinpour/ Iran

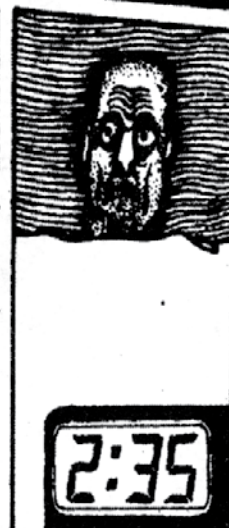
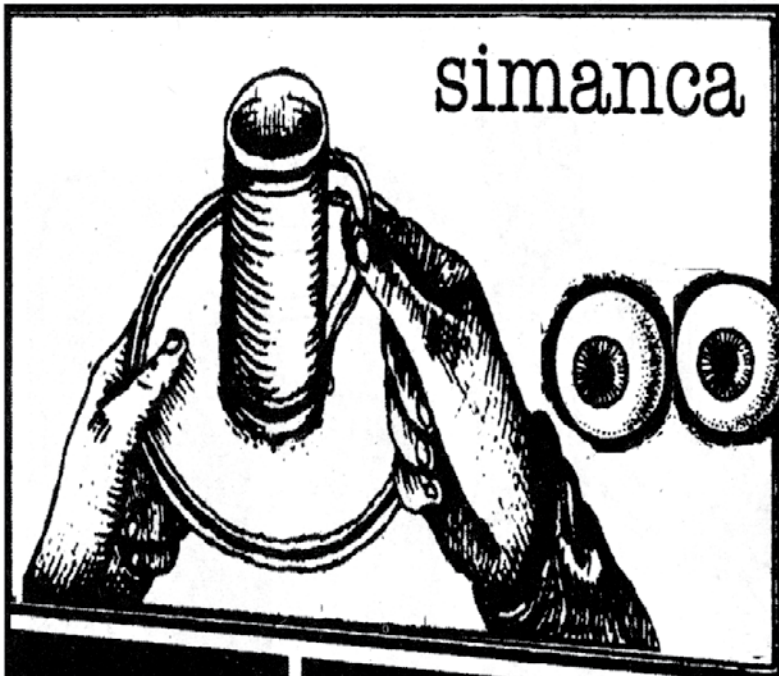




Jaminel











Mikhail Zlatkovsky/ Russia

# گفت و گوبا میخائیل زلاتکوفسکی

من یک میحث درسی کاملاً جدید را در دانشگاه ایالتی مسکو آغاز کرده‌ام که عنوانش «طراحی و تصویرسازی مطبوعاتی» است. هم‌چنین نوشتن یک کتاب درسی را برای این میحث که اولین کتاب آموزشی در نوع خود در روسیه است را هم تمام کرده‌ام.

**در حال در آمریکا مشغول به چه کاری هستی؟**

بیشتر در دسر درست می‌کنم! در چند روزنامه آمریکایی را به عنوان طراح مشغولم ولی نه به عنوان یک کاریکاتوریست سیاسی. آمریکا بازار بزرگی با حقوق بالا است! ولی کسی دوست ندارد سهمی به آن یارو که از روسیه آمده برسد!

**آیا می‌دانی که بسیاری از کاریکاتوریست‌های ایرانی تحت تاثیر کارهای تو هستند؟**

نه، نمی‌دانستم. این افتخار بزرگی برای من است، چرا که من همیشه در مقابل فرهنگ عالی کشور شما زانو زده‌ام. اگر این حرف شما واقعیت داشته باشد، احساس غرور می‌کنم! ●



نقاشی ایتالیا و آلمان در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی بوده باشد. **تفاوت کار در شوروی دیروز و روسیه امروز چیست؟**

پاسخ به این پرسش بسیار راحت است. این تفاوت به اندازه اختلاف توتالیترسیم مطلق با دموکراسی است.

**آیا هیچ وقت کاریکاتور چهره هم کشیده‌ای؟**

بله، خیلی هم زیاد. ولی این کار را برای مطبوعات نکرده‌ام. راستش وقت زیادی برای این کار نداشته‌ام.

**آیا هنوز هم با مطبوعات همکاری داری؟**

بله، ولی مطبوعات محلی کم‌تر از آثار من استفاده می‌کنند، به این دلیل که شرایط فعلی روسیه امکان بهره‌گیری از طنزهای تند و تیز (همان کارهایی که می‌کرده‌ام و می‌کنم) را به مطبوعات نمی‌دهد.

**آیا با کاریکاتور ایران آشنایی داری؟ نظرت درباره آن چیست؟**

من کاریکاتورهای ایرانی‌ها را تنها در کتاب‌های نمایشگاه‌ها و مسابقات بین‌المللی دیده‌ام. فکر می‌کنم همین مقدار نشان دهنده بردار نهضت رو به رشد کاریکاتور در ایران است، به دلیل جهت‌گیری فلسفی و تکنیک بالایی که دارد.

در ۱۹۹۲، مجله «پیتی ورلد» تو را به عنوان برترین

**کاریکاتوریست دنیا انتخاب کرد. وقتی متوجه این مسئله شدی، چه احساسی داشتی؟**

راستش آن زمان توجه چندانی به این اتفاق نکردم. اما وقتی متوجه اهمیت این موضوع شدم، احساس افتخار کردم. البته مشکلاتی هم برایم به وجود آورد. در درجه اول، از طرف همکارانم در سراسر جهان!

**راستی الان در دانشگاه چه می‌کنی؟**

راستش، مصاحبه به زلاتکوفسکی خیلی پامزه بود! تعاریف ضد و نقیض زیادی از او شنیده بودم. از کسانی که او را دیده‌اند تا کسانی که عاشق کارهایش هستند و حاضر نیستند از گل نازک‌تر درباره او بشنوند. آیا او هنرمند بزرگی است، یا باید او را به عنوان یک آثارشیمت شناخت؟ من سوالاتم را برایش فرستادم و او هم مثل بوق پاسخیم را داد. از درون جواب‌هایش می‌توانید به دو نکته برسید: یکی اینکه انسان صادقی است و دیگر اینکه محافظه‌کار نیست (البته این دو تا تقریباً یکی است!)

**میخائیل، کشیدن کاریکاتور را از کی شروع کردی؟**

از هفت سالگی تصاویر عجیب و غریب می‌کشیدم (به قول پدر و مادرم و معلم دبستان!). اولین کاریکاتورم در سال ۱۹۷۱ در نشریه‌ای لهستانی به نام «شپیلکی» چاپ شد. همان کاری که در مسابقه بین‌المللی کاریکاتور لهستان برنده جایزه ویژه شده بود. راستش آن کار خیلی واقعی بود، برعکس کارهای دیگری که در شوروی می‌کشیدم و از واقعیت به دور بود. من در یک دوره بیست ساله کاری، یعنی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، دو عرصه برای ارائه کارهایم داشتم. یکی نمایشگاه‌های بین‌المللی و دیگری مطبوعات شوروی توتالیتر!

**آیا تحت تاثیر هنرمند خاصی هم بوده‌ای؟**

بله، به شدت تحت تاثیر هنرمندی لهستانی به نام برونیسلاو وویتسچ لینکه (Bronislaw Wojttech، ۱۹۰۳-۱۹۶۸، Linke) بوده‌ام. این هنرمند قدرت زیادی در ایجاد ارتباط میان تکنیک عالی و ایده‌های قوی داشت. به علاوه از آثار هنرمندان فرانسوی مثل توپور، کاردون و سمپه نیز تاثیر پذیرفته‌ام، و یا از هنرمندان دیگری نظیر آدولف یورن، زابرنسکی و بارتاک ولی باید بگویم شاید بیش‌ترین تاثیرپذیری من از کارهای استادان بزرگ



# MIKHAIL ZLATKOVSKI

I had heard a lot about Mikhail Zlatkovsky, both from his fans and from the people who had met him. I was stuck between different stories about him! A great artist or an anarchist? I sent him my questions and I had my answers very quickly.

You can find out two clues through his answers. One, he is an honest man, and two he is not a conservative

#### When did you start drawing cartoon?

I started to draw the stance images (by the opinions of my parents and schoolteachers) at the age 7. First

"Shpilki" published my cartoon: a Polish satire magazine at 1971, as the special prizewinner at the international competition in Poland...

That image was my REAL cartoons because I consider all another my cartoons (which were published at USSR at that time) as not real, authentic to me.

You have to know that during almost 20 years (1970-1990) I used two kind manners for my art one for international exhibitions and competitions... and another one for inside purpose inside the mass media of the totalitarian USSR.

#### Did other artists influence you?

Yes, the most influenced was from the art works of a great artist; Bronislaw Wojtzech LINKS, a Polish 1903-1968 which had the art, forces to GATH-

ER the great technique with Great Ideas... I'm sure it's the BEST way to produce good images.

Indeed I was influenced by French artists too like Topor, Cardon, Sempe... also Adolf Born, Xzabransky, Bartak from Tchechoslovakia. But the biggest influence was from GRAND MAESTROES from Italy/Germany of 1516 century...

#### What are the differences between working in the USSR (CCCP) before the changes, and in Russia today?

It's easy to explain... Difference is between Total TOTALITARISM and DEMOCRACY.

#### Have you ever drawn caricatures?

Yes... a lot... but I didn't draw CARICATURE (funny portrait) images for mass media... Very seldom because I don't have enough time for it.

#### Do you still work for the press?

Yep!!! But it seems to me local mass media don't use my art properly... You have to know, that current situation in Russia doesn't allow them to use SHARP satire (as I did and do).

#### Are you familiar with Iranian cartooning?

#### What do you think about Iranian cartoons?

I have seen Iranian cartoon art only by means of the catalogues of international competitions and festivals... and think that the Iranian cartoon movement has a Todd VECTOR... It's the philosophical section with good techniques.

World announced you as the No. One cartoonist in 1992.

#### How did you feel about that event?

Really I didn't pay attention to that event at that time ... Later I noticed this result, and it was as a Great Honor for me ... But I had a lot of problem with this "One" from my colleagues all over the world ... You know the reason is JEALOUSY ... especially in the USA.

#### What do you do at the university right now?

I have opened absolutely NEW course at the field "The mass media design and illustration" at the Sate Moscow University and recently finished to prepare my book about that course it will be the first manual book in Russia for designing newspapers and magazines...

#### How was your stay in the USA? Did you find a job there?

Trouble making!!! I found a job as a Designer in a few American newspapers... but not as the political cartoonist. USA is a big market with goods salaries and NOBODY wishes to go away from that market for THAT GUY FROM RUSSIA...

#### Do you know that many Iranian cartoonists are influenced by your art?

No, I didn't know... It's a great honor for me... because I always "Sand on my Knees" in front of the Great CULTURE of your country I'll be very PROUD if it's true! ●



# تفاوت بین کارتون در شرق و غرب



ARES.

Ares/ Cuba

دکتر جان لنت

مترجم: محمداصداق نوحی

لهستان که مدت‌ها رئیس انجمن کارتون‌سازان لهستان و مدیر هنری مجله طنز ژپلیکی Spilki بوده است. این مجله در زمان حکومت کمونیست‌ها، منبع الهام برای کارتون‌سازان اروپای شرقی بود.

۲- ولادیمیر بورکین Vladimir Burkin اهل روسیه که نقاش، تصویرساز، گرافیست و کارتون‌ساز است که برنده بیش از ۳۰ جایزه بین‌المللی شده است.

۳- اولگ درگافچف Oleg Dergatchov، اهل اوکراین، گرافیست، تصویرساز، نقاش، کارتون‌ساز و مجسمه‌ساز است. درگافچف مسئول برگزاری مسابقه «هزاره بامزه و عجیب و غریب» در اوکراین بود. اولگ برنده جوایز متعددی در مسابقات بین‌المللی کارتون در دنیا شده است. در آلمان، آمریکا، لهستان، روسیه و اوکراین نمایشگاه‌های انفرادی برگزار کرده است.

۴- ایوان کواچیک Ivan Kovacic از اسلواکی. او از کار در پالایشگاه دست کشید و ترجیح داد به‌عنوان یک کاریکاتورست مستقل فعالیت کند. ایوان برنده جوایز متعدد بین‌المللی است.

۵- سرگئی تونین Sergei Tunin از روسیه، کارتون‌ساز و سردبیر نشریه‌ای برای کودکان و انیماتوری است که در دوره حکومت شوروی سابق متحمل صدمات زیادی شد. اما

که علاقه‌مند به هنر طنز بودند، گرد هم آورد. دکتر جان لنت بیش از ۳۰ سال سابقه تدریس در دانشگاه‌های مختلف دنیا از جمله در دانشگاه‌های فیلیپین، مالزی (کشوری که برنامه روابط مطبوعاتی را برای نخستین بار پایه ریزی کرد) و ایالت متحده آمریکا دارد. او بنیان‌گذار گروه‌های تحقیقاتی (در کشورهای مالزی، سنگاپور و برونی در سال ۱۹۷۶ و فصل‌نامه خبری بریتا (Brita) در سال ۱۹۷۵ است. جان لنت به‌عنوان سردبیر و یا عضو شورای سردبیری در بیش از ۱۲ ماهنامه از قبیل نشریه طنز بیگ امگزی (Big - Omagezin) به فعالیت هنری خود ادامه می‌دهد.

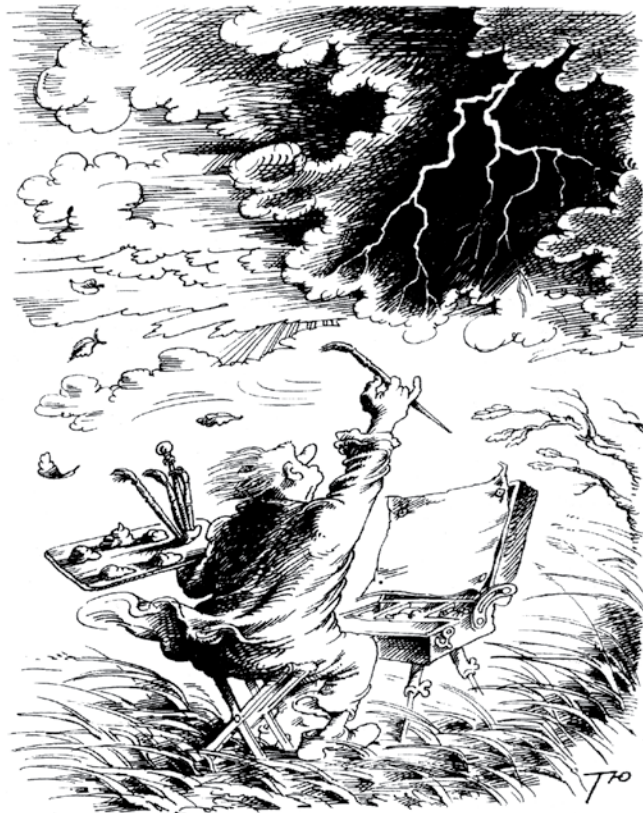
حکایت همیشگی از این قرار است که کارتون‌سازان اروپای غربی و آمریکا برای خنداندن مخاطبان خود، کارتون و قصه‌های طنزآمیز مصور می‌کشند. اما همکاران آن‌ها در اروپای شرقی، به طراحی کارتون می‌پردازند تا در موزه‌ها به نمایش درآید یا زینت‌بخش دیوارها باشد! این اظهارات باعث شد تا از ۸ تن از کارتون‌سازان اروپایی جوایز این تفاوت شوم (در ۱۹۹۹ از پنجم تا نهم نوامبر این کارتون‌سازان نمایشگاهی از آثارشان را در شهر لویف «LVIV» اوکراین برپا کرده بودند.) این کارتون‌سازان عبارت بودند از:

۱- جولیان بودانویچ Julian Bohdanowicz از کشور

دکتر جان لنت پیشگام در تحقیقات روابط بین‌المللی و رسانه‌های گروهی کشورهای جهان سوم است. وی هم‌چنین نویسنده و ویراستار بیش از ۵۵ جلد کتاب، رساله و صدها مقاله است. برخی از این مقالات و نوشته‌ها به هنر طنز، به ویژه در آسیا، آمریکا و کارائیب می‌پردازد. در ۱۹۹۴، مجموعه کتاب‌های چهارجلدی جان لنت با عنوان «شناخت هنر طنز در جهان» توسط گرین وود پرس (Green Wood Prees) منتشر شد. از دیگر کتاب‌های این محقق می‌توان به کتاب «فرهنگ رایج در آسیا» که توسط وست وود پرس به چاپ رسید و «کارتون و طنز در آسیا» (که در دانشگاه مطبوعات می‌سی‌سی‌پی منتشر گردید)، اشاره کرد. مصاحبه با ۱۷۳ کاریکاتورست از ۱۴ کشور آسیایی که ۲ سال به طول انجامید، از دیگر فعالیت‌های دکتر لنت محسوب می‌شود. در ۱۹۸۴، وی علاوه بر سردبیری مجله کارتون بین‌المللی «دنیای طنز» که از زمان تاسیس در آن مجله مشغول به کار بوده است، یک گروه طنز را در سازمان بین‌المللی تحقیقات روابط بین‌الملل تشکیل داد که این گروه به طور جدی در این زمینه فعالیت می‌کند. متعاقباً جان لنت در پاراگوئه، دهلی نو، بارسلونا، اسلونی و سائوپائولو نیز چنین گروه‌هایی را تشکیل داد.

وی هم‌چنین یک گروه ۵ نفره از دانشجویان دکتری خود را





Sergei Tunin/ Russia



Sergei Tunin/ Russia

شرقی، فلسفی‌تر، پیچیده‌تر و پر از معانی گوناگون است. در این‌جا کارتون باید سرشار از ظرایف و معنا باشد. این در حالی است که در اروپای غربی کارتون باید حتما ساده باشد، اگر نه، مردم آن‌ها را نمی‌خرند.» او با ادعای برخورداری دید هنری وسیع‌تر هنرمندان کارتونیست اروپای شرقی می‌افزاید: «ما سعی می‌کنیم اثر هنری خلق کنیم و کارتونیست‌ها هم چون مجسمه‌سازها، نویسندگان، تصویرسازها، نقاش‌ها و انیماتورها به دنبال سبکی گسترده‌تر و جامع‌تر می‌گردند. به نظر من، در اروپای شرقی، زندگی یک کارتونیست، جالب‌تر است. البته این به‌خاطر پیچیدگی خاصی است که در این زندگی دیده می‌شود. ناگفته نماند به همین دلیل درآمد کمی هم داریم.»

ولادیمیر کازانفسکی، ولادیمیر بورکین و میکولا ورونسوف با اعلام و تصدیق اینکه تفاوت‌هایی وجود دارد، با تردید و دودلی درباره اینکه این تفاوت‌ها تا چه حد در زندگی کارتونیست‌ها مهم است، صحبت کردند. کازانفسکی معتقد است که کارتون در اروپای شرقی مثل کارتون در هر کجای دیگر دنیا می‌باشد به جز اینکه، در اروپای شرقی به واسطه مشکلات اجتماعی بیشتر، کارتون‌ها غالبا با مضامین اجتماعی ارائه می‌شود. او می‌گوید: «کارتون‌ها در آمریکا ساده‌اند ولی در آثار ما، بیشتر اجتماعی‌اند.» ●

اروپای شرقی به سیاست و همین‌طور از تاثیر سبک روسی بر آن‌ها نشأت می‌گیرد. او می‌گوید: «سبک روسی بسیار پرمعنی و پراحساس است. همراه با نقاشی‌های جالب توجهی که فقط با دست به تصویر کشیده می‌شوند.»

یوگسلاو و لاهویچ معتقد است که می‌توان سایه سنت را در پشت این تفاوت دید. او می‌گوید: «ما، در اروپای شرقی، عادت داریم که با استعاره منظور خود را در کارهای مان بیان کنیم. به‌همین جهت با خوش‌رویی ادامه می‌دهد: «این تفاوت در دست‌یابی به بازار کار خلاصه می‌شود، شیوه ما در اروپای شرقی بر اصل شرکت در نمایشگاه‌ها استوار است، چرا که می‌خواهیم کارهای مان را به‌فروش برسانیم؛ و البته این امر از طریق چاپ آثارمان در مطبوعات، تحقق نمی‌یابد.» او می‌افزاید: «آمریکایی‌ها بازار بزرگ و قابل توجهی در اختیار دارند و نیازی به ارائه آثارشان در خارج ندارند. آن‌ها به‌اندازه کافی پول در می‌آورند و همین برایشان کافی است. در اروپای شرقی، کارتونیست‌ها می‌خواهند در صدر برندگان مسابقات قرار بگیرند.»

درگاجوف، هم‌چنین به تفاوت‌ها در ارائه مضمون محتوا اشاره می‌کند و به اینکه چطور کارتونیست‌ها ایده‌هایشان را شکل می‌دهند. او می‌گوید: «موضوعات و مضامین در اروپای

به‌گونه‌ای پیشرفت کرد و به‌جایی رسید که به‌عنوان یکی از کارتونیست‌های درجه یک و مطرح در روسیه به‌حساب می‌آید.

۶ - ولادیمیر کازانفسکی Vladimir Kazanovsky از اکرین. نقاش، کارتونیست و نویسنده‌ای صاحب سبک است. آثار او گونه‌ای از استعاره و عناصر سورئالیستی را در خود دارند. او هم‌چنین نویسنده کتابی تحقیقی درباره هنر کمیک است.

۷ - میکولا ورونسوف Mikola Vorontsov، اهل روسیه که اولین کارتون او در سال ۱۹۸۲ برنده جایزه ویژه از مسابقه گابروو بلغارستان شد. او برای کتاب‌های کودکان و روزنامه چاس پیک Chaspik کارتون می‌کشد.

۸ - یوگسلاو و لاهویچ Yugoslav Vlahovic از یوگسلاوی، تصویرساز، کارتونیست، نقاش و گرافیستی است که آثارش در روزنامه‌ها و مجلات مطرح جهان به چاپ رسیده است. و لاهویچ ۴۵ نمایشگاه انفرادی در ۸ کشور جهان برگزار کرده و استاد آکادمی هنرهای کاربردی در بلگراد است.

آیا تفاوتی بین طراحی کارتون در اروپای شرقی و بقیه نقاط جهان دیده می‌شود؟

نظر اکثریت در ارتباط با جواب این سوال مثبت بود. اما هر کدام توضیحی متفاوت در این‌باره داشتند. به نظر ایوان کواجیک، این تفاوت، از علاقه فوق‌العاده کارتونیست‌های





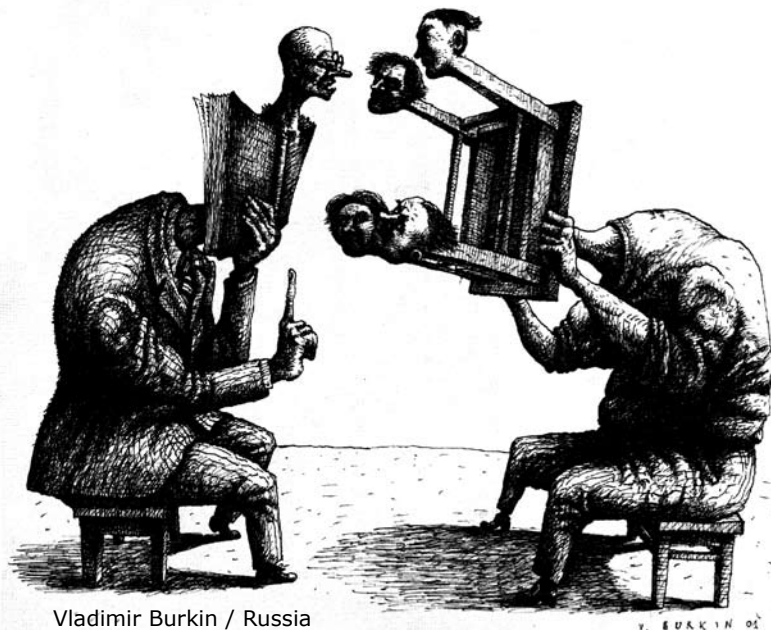
Oleg Loktyev/ Russia



Oleg Dergatchov / Canada

Ares/ Cuba





Vladimir Burkin / Russia

# EAST AND WEST

Professor John Lent

A frequent yarn is that while American and West European cartoonists draw to elicit a chuckle or narrate a tale, their East European colleagues do cartoons to exhibit or hang on museum walls. That assertion sparked me to pose two questions to eight prominent East European cartoonists whose works made up the "Funny and Crazy Millennium" exhibition in Lviv, Ukraine. Nov. 5 1999.

The cartoonists were:

Julian 13ohdanowicz of Poland, long time president of the Association of Polish Cartoonists and art director of Szpilki humor magazine, which during the communist period, was an inspiration for cartoonists all over East Europe.

Vladimir Burkin of Russia, a painter, graphic artist, illustrator, and animator, whose works have won more than 30 international prizes. Oleg Dergatchov of Ukraine, graphic artist, maker of books, painter, cartoonist, sculptor, and organizer of the "Funny and Crazy Millennium" event, who has had oneman shows in Germany, US, Poland, Russia, and Ukraine, and has won numerous top prizes in international competitions.

Vladimir Kazanevsky of Ukraine, painter, cartoonist, writer whose award winning work is laden with metaphors and surrealistic elements; also a writer of scholarly treatises on comic art.

Ivan Kovacic of Slovakia, who switched from employment in a refinery to freelance cartooning; winner of international prizes with about ten solo exhibitions to his credit.

Sergei Tunin of Russia, cartoonist, editor, animator, whose career suffered at times under Soviet rule, but nevertheless advanced to a stage where he was considered one of Russia's top humor cartoonists.

Mikola Vorontsov of Russia, whose first cartoon in 1982 won the special prize at the Gabrovo competition, and who draws for children's books and the newspaper Chas Pik.

Yugoslav Vlahovic of Yugoslavia, illustrator, cartoonist, painter, and graphic artist, whose works have appeared in the major newspaper and magazines of the world; holder of 45 oneman exhibitions in eight countries; professor at the Academy of Applied Arts, Belgrade. Is there a difference between cartooning in East Europe and the rest of the world?

The consensus was yes; the explanations, varied. Ivan Kovacic felt the difference steamed from the overriding interest East European cartoonists have in politics and from the Russian stylistic influence upon them. He said Russian style is "very expressive, with interesting drawings, and are done only by hand." Yugoslav Vlahovic believed tradition lay behind his difference. "In East Europe, we are used to expressing ourselves metaphorically, not by satirical directness; we use symbols a lot," he explained.

Rather expansive in his reply, Oleg Dergatchov said the difference boiled down to availability; of market. "Our way in East Europe is to take part in exhibitions, to sell our works; it is not by publishing as there is not market in the press for cartoons," he said, adding, "Americans have a big market; it is not necessary for them to exhibit abroad. They earn money and that is enough for them. In East Europe, money is not enough reward: cartoonists want to be at the top of the contests. "Par Dergatchov also attributed differences to subject matter and to how cartoonists are conceptualized.

"East European subjects are more philosophical, more sophisticated, and full of various meanings." He said; "cartoons here must be witty, not simple, while in West Europe, they have to be simple or people won't buy them." Claiming a wider artistic range for East European cartoonists, he said, "We try to make art, not just cartoons, and our cartoonists, have a wider way as sculptors, writers, illustrators, painters or animators. In my view, the life of the cartoonist in East Europe is more interesting because of this wider swath,

but we also have lower income."

For Granting there are differences, Vladimir Kazanevsky, Vladimir Burkin, and Mikola Voronsov were more ambivalent about how significant they were in cartoonists' lives. Kazanevsky believed East European cartoons are the same as everywhere else except that in East Europe, he many social problems necessitate social commentary cartoons. "US cartoons are about simple life; ours are social," he said.

Dr. John A. Lent is professor of mass communications at Temple University. He has along and varied career in teaching and research, having been a Bright scholar to the Philippines in 1964/65, a student at the University of Oslo, Guadalajara (Mexico) Summer School, and Sophia University in Tokyo. I hold a Ph.D. from the University of Iowa, MS from Ohio University and BSJ from Ohio University. From 1972/74, he served as the coordinator of the first mass communications program in Malaysia, which he helped create at University Sains Malaysia.

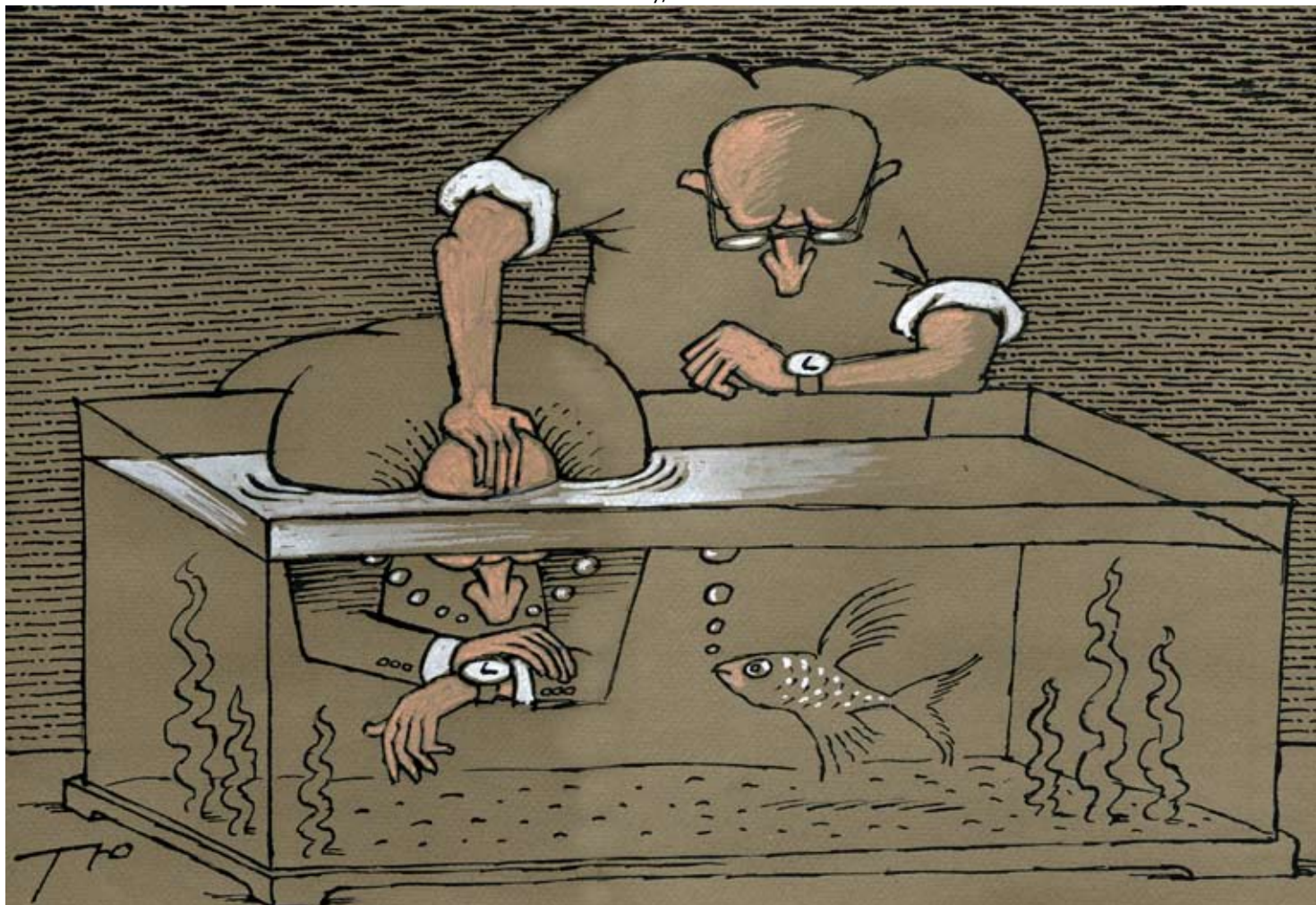
Dr. Lent has written or edited 55 books on mass communications, popular culture, and comic art, as well as more than 500 articles. Among his latest books are 4 Pulp Demons, Global Productions, and Themes and Issues in Asian Cartooning. Additionally, he has founded and edits The International Journal of Comic Art and Berita (a periodical about Malaysia and Singapore). Since 1987, he has been founding managing editor of Witty World International Cartoon Magazine and since 1994, editor of Asian cinema. He chairs the Asian Cinema Studies Society, the Asian Popular Culture group of Poplar Culture Association and the Comic Art Working Group of International Association for Media and Communication Research. I serve on many editorial boards.

Through out the past decade, he has been on cartoon juries in the United States, Slovakia, Korea, Cuba, Poland, and elsewhere.



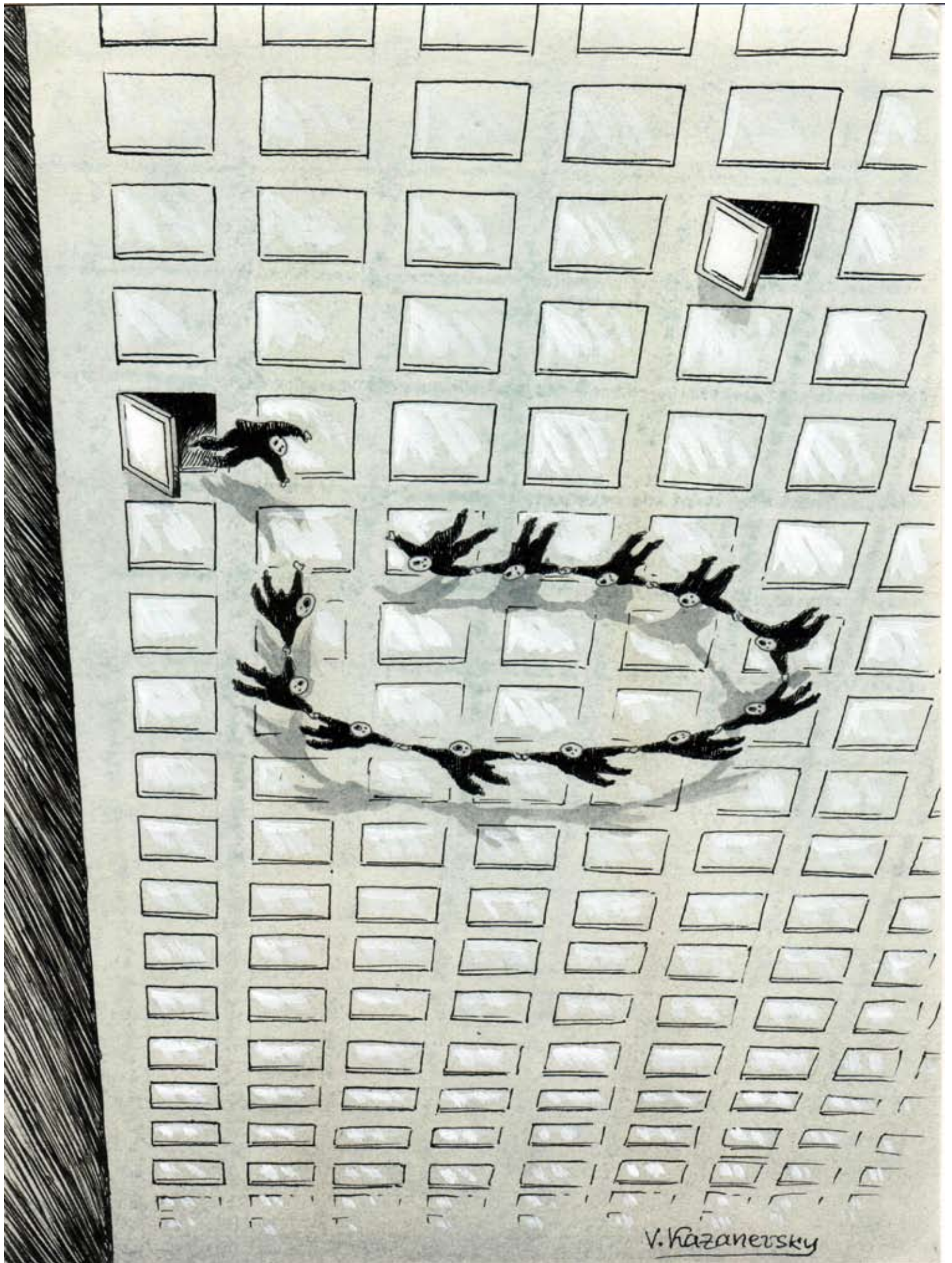


Vladimir Kazanevsky/ Ukraine



Sergei Tunin/ Russia





Vladimir Kazanevsky/ Ukraine





Vladimir Kazanevsky / Ukraine

V. Kazanevsky